

# در فنس

انجمن علمی دانشجویی تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

گاهنامه علمی: سال دوم - شماره هفتم - دی ۱۳۹۸

## در این شماره می خوانید

در دفاع از علم تاریخ جهان

فراز و فرود هویت ایرانی در گذر تاریخ

استعمارزدایی ملل جهان سومی

یلدا، شبی به بلندای تاریخ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## گاهنامه علمی دانشجویی درفش



انجمن علمی دانشجویان تاریخ  
دانشگاه شهید بهشتی تهران



### صاحب امتیاز:

انجمن علمی دانشجویی تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

### مدیر مسئول:

ناهید بدیهی

### سر دبیر:

محمد جواد محسنی

### نویسندگان این شماره:

ناهید بدیهی، فاطمه اسدنژاد، کیمیا حسینی

مهسا فرهادی، مریم رشیدی، علیرضا عسگری

خشایار رضوی، محمد جواد محسنی

### ویراستار:

زهرا هاشمی

### طراح جلد و صفحه آرا:

محمد جواد محسنی





۳

در دفاع از علم تاریخ جهان

علیرضا عسگری

۵

جبر حاکم و انسان قادر

محمد جواد محسنی

۱۰

استعمارزدایی ملل جهان سومی

ناهید بدیهی

۱۳

تأثیر امپراتوری بیزانس بر سیر حوادث قرن ۱۱ میلادی با تمرکز بر جنگ صلیبی اول

کیمیا حسینی

۱۶

جایگاه آذر (آتش) در میان ایرانیان باستان

فاطمه اسدنژاد

۱۸

یلدا، شبی به بلندای تاریخ

مهسا فرهادی

۲۰

فراز و فرود هویت ایرانی در گذر تاریخ

خشایار رضوی

۲۵

نشست دانشنامه آزاد ویکی پدیا و نقش اجتماعی دانشگاه در عرصه عمومی علم

مریم رشیدی





## سخن سر دیر

نسل بشر در ایران و جهان، اکنون در عصری گذران حیات می‌کند که به عصر تکنولوژی، ارتباطات و فناوری اطلاعات مشهور است و در حال بهره‌گیری از امکاناتی است که ابعاد مختلف زندگی از جمله آگاهی جمعی به شدت متأثر از آن بوده و حجم عظیمی از اطلاعات و اخبار به صورت لحظه‌ای در حال تبادل در جامعه است. انتظار بر این است که این سرعت و توانایی عظیم در انتقال اطلاعات به یاری علم آمده و موجب افزایش آگاهی و دانش مردم جامعه شده و گامی به سوی جلو برای ترویج دانش و بالندگی تفکر انسانی باشد اما رهاوردی که اکنون در حال مشاهده آن در سطح جهان و ایران هستیم؛ بیانگر نکته‌ای دیگر است که در عین اهمیت موجب تأسف بسیار است.

انسان معاصر بر خلاف تصور خود در جهان کنونی که امر تفکر و آگاهی برای نسل بشر بسیار مهم و حیاتی است، نه تنها به این دو عنصر دست نیافته بلکه به توهمی پبله‌وار دچار شده که خود را آگاه می‌داند و این واقعیت بسیار خطرناک است. انسان امروز در معرض حجم عظیمی از اطلاعات قرار دارد که از سوی اشخاص، نهادهای دولتها و به واسطه ابزارهای ارتباطی به سمت او سرازیر می‌شود و در عین ناآگاهی‌اش، به سادگی قدرت تحلیل و تفکر را از او سلب کرده و وی را به سمت اهداف موردنظر دولتها و ارگان‌های مختلف هدایت می‌کند. بشر کنونی در مقابل فهمیدن مقاومت می‌ورزد و خود را عالم به تمامی امور می‌داند، چرا که گرفتار توهّم آگاهی و حس دانایی ناشی از آن است. این عنصر خطرناک موجب ضربه‌های شدید به علوم مختلف و کیفیت آنان می‌شود و در نتیجه آگاهی و مراقبت علاقه‌مندان به هر حوزه را می‌طلبید تا جلوی این اتفاق ناخوشایند گرفته شود.

با مشاهده فضای حاکم بر رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی بدین امر پی می‌بریم که آسیب موردنظر تا چه حد در میان تمام طبقات جامعه نفوذ کرده و در حال تضعیف علوم است. به ویژه در حوزه تاریخ شاهد سلی از تحریف‌ها، تحلیل‌های کم‌مایه و اطلاعات نادرست هستیم که بدون تحقیق و مطالعه و با تکیه بر همین آگاهی‌های توهّم‌گونه در حال گسترش است و علاوه بر ضربه به ماهیت تاریخ، مسائل و بحران‌های گوناگون را برای جامعه پدید می‌آورد. نکته تأسف‌بار در این میان گرفتاری جمعیت دانشجویی کشور به ویژه بخشی از دانشجویان و حتی صاحب‌نظران حوزه تاریخ به این موضوع و تلبس به افکار و گفتار عامیانه و فاقد اعتبار علمی می‌باشد که در اثر آن به انواع افکار متعصبانه قومی و نژادی، جناحی و... آلوده شده و عده‌ای چند را نیز از مسیر صحیح منحرف می‌سازند.

در این میان، این رسالت دانشجویان و اساتید حوزه تاریخ است که به یاری آن شتافته و این علم حیاتی را از گزند آسیب‌های مذکور محفوظ دارند. به همین منظور، ما دانشجویان رشته تاریخ به عنوان عضوی از جامعه علمی کشور بر خود واجب می‌دانیم که با عبور از موانع گوناگون، به راه خود ادامه داده و با استفاده از امکانات و توانایی‌های موجود تا حد امکان در این امر تأثیرگذار بوده و سهمی هرچند ناچیز در حفظ این علم از آسیب‌های مذکور، رعایت و ترویج روش‌های علمی و ارائه اطلاعات صحیح ایفا کنیم. تلاش بر این بوده تا در هر شماره از نشریه، با بهره‌گیری از ظرفیت دانشجویان تمامی مقاطع تحصیلی رشته تاریخ و علوم مرتبط، علاوه بر بهبود کیفیت نشریه، گامی بلند به سوی اهداف خویش برداشته و یک قدم به تحقق آن‌ها نزدیک‌تر شویم.

تیم دانشجویی نشریه «درفش» در این راه، از فعالان و علاقه‌مندان حوزه علوم انسانی در گرایش‌های مختلف، در راستای افزایش غنای مطالب و کمبود کاستی‌ها دعوت به عمل آورده و دست همکاری به سوی همه عزیزان دغدغه‌مند دراز می‌کند و همچنین از تمامی انتقادات و پیشنهادات پیرامون ساختار نشریه اعم از طراحی و محتوا استقبال می‌کند. باشد که شاهد شکوفایی تفکر و آگاهی راستین در این سرزمین، بالندگی تاریخ این مرز و بوم و سرفرازی کشور عزیزمان ایران باشیم.



# در دفاع از علم تاریخ جهان

## علیرضا عسگری

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ جهان دانشگاه شهید بهشتی



که با استفاده از آن کل تاریخی شکل گرفته در ذهنش می‌توانست، پدیدارهای بزرگ جمعی تاریخ را تحلیل کند. اما در آن صورت ضعف‌هایی نیز داشت: اول آنکه پیدا کردن متخصص شرق دور، آمریکای جنوبی و شمالی، شرق اروپا و آفریقا برای تدریس این واحدها دشوار بود و دوم آنکه منابع درسی در این حوزه‌ها با توجه به این که سطح زبان تمام دانشجویان یکسان نیست، به دشواری تهیه می‌شد. با تغییر سرفصل دروس به تاریخ اروپا، حوزه مطالعاتی متمرکز شده و دانشجویان گرچه آن کل تاریخی را از دست می‌دهد اما با توجه به محدودیت‌های فعلی آموزشی ما، تمرکز بر تاریخ اروپا بهتر است.

فلسفه جنگ و صلح، دیپلماسی و سیاست، رابطه انسان و محیط زیست، مفهوم شناسی انقلابات، تاریخ تکنولوژی، تاریخ هنر و مسائلی ازین دست می‌پردازد. علم تاریخ جهان براین است که جریان‌های بزرگ تاریخ را شناسایی کرده و با شناخت و تفسیر آنها الگوهایی نظری بدست دهد که چگونه می‌توان در دنیای مسطح امروز، دوام آورد و جامعه را مدیریت کرد. بطور مثال ما در دنیای امروز با مشکلاتی چند دست و پنجه نرم می‌کنیم: تروریسم، بنیادگرایی دینی، تغییرات اقلیمی، کم‌رنگ شدن مرزهای هویتی و هجمله فرهنگ غربی و مسائلی ازین دست.

علم تاریخ جهان به ما کمک می‌کند، دریابیم که این مشکلات ریشه در کجا دارند و چگونه در دنیای مدرن می‌توانیم آن‌ها را حل کنیم؟ بدون شناخت نهاد دین، فلسفه دین و روابط دین و جامعه در طول تاریخ آیا می‌توانیم به این پرسش پاسخ دهیم که چرا در قرن بیست و یکم، پدیده‌های بنیادگرایی چون داعش و القاعده به وجود آمده‌اند؟ اگر ما اکنون دچار تغییرات اقلیمی و آب‌وهوایی هستیم، باید به دنبال الگوهای آب‌وهوایی در تاریخ برآمده ببینیم که سیاره ما چه تغییرات اقلیمی را تجربه کرده، در آن زمان‌ها چه منافع یا مضراتی برای جامعه انسانی داشته، ابنای بشر چه واکنشی به آن نشان داده‌اند و چگونه با توسل به آن الگوها می‌توانیم جلوی

تاریخ، علم مادر است. علوم سیاسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حتی فلسفه به تاریخ، مدیون هستند و اصحاب این علوم بدون تسلط بر مبانی فکری تاریخی و خوانش بافت تاریخی پدیدارها نمی‌توانند؛ تحلیل درستی از موقوف دهند. متأسفانه جایگاه تاریخ در نظام دانشگاهی ایران بطور اخص و میان عموم بطور اعم، فرودست بوده و اهمیت آن به درستی شناخته نشده است. دقیق‌تر بگوییم؛ تاریخ، علم مدیریت جوامع انسانی است. بطور مثال به گفته یکی از مورخان دانشگاه ییل، دانش‌آموختگان تاریخ این دانشگاه آخرین شغلی که انتخاب می‌کنند، استادی تاریخ در دانشگاه است! این در حالیست که در ایران، استادی دانشگاه اولین و آخرین شغل انتخابی یک دانش‌آموخته تاریخ بوده و متأسفانه در رده‌های مدیریتی از دانش اهل تاریخ بهره برده نمی‌شود. با این اوصاف، البته که انتظار می‌رود؛ دانش‌آموخته تاریخ نیز مهارت‌های لازم برای مدیریت جامعه انسانی را داشته باشد و «علم تاریخ جهان» یکی از گرایش‌های علم تاریخ است که بنیادهای مستحکمی داشته و می‌تواند در خدمت کشور قرار گیرد.

علم تاریخ جهان چیست و چه فرقی با «تاریخ جهان» دارد؟ در ابتدا عارضه که ما در ایران رشته‌ای در سطح کارشناسی‌ارشد داریم، به نام «تاریخ عمومی جهان» که در معدود دانشگاه‌هایی ارائه شده‌است. پیشتر سرفصل‌های این گرایش شامل، تاریخ تمام شرق و غرب عالم می‌شد که مزایا و معایبی داشت تا اینکه در دانشگاه شهید بهشتی، سرفصل‌های این رشته به تاریخ اروپا و آمریکا تغییر کرد. «تاریخ عمومی جهان» با علم تاریخ جهان فرق دارد. زمانی که این رشته شامل تاریخ شرق و غرب عالم می‌شد، درک بسیار وسیعی از تاریخ جهان بشری به مخاطبش می‌داد

**علم تاریخ جهان به بررسی تاریخ کشورها یا قاره‌ها نمی‌پردازد بلکه مبانی و اصول رفتارها و روابط بشری در طول تاریخ را مطالعه می‌کند. علم تاریخ جهان به مسائلی چون چپستی امپراتوری‌ها، شاهراه‌های اقتصادی تاریخ، نقش دریاها و رودخانه‌ها در شکل‌گیری تمدن‌ها، چپستی خود تمدن و فرهنگ، زبان و خط، پدیدارشناسی ادیان، فلسفه جنگ و صلح، دیپلماسی و سیاست، رابطه انسان و محیط زیست، مفهوم‌شناسی انقلابات، تاریخ تکنولوژی، تاریخ هنر و مسائلی ازین دست می‌پردازد.**

علم تاریخ جهان به بررسی کشورها یا قاره‌ها نمی‌پردازد بلکه مبانی و اصول رفتارها و روابط بشری در طول تاریخ را مطالعه می‌کند. علم تاریخ جهان به مسائلی چون چپستی امپراتوری‌ها، شاهراه‌های اقتصادی تاریخ، نقش دریاها و رودخانه‌ها در شکل‌گیری تمدن‌ها، چپستی خود تمدن و فرهنگ، زبان و خط، پدیدارشناسی ادیان،



رشته‌ای داشت؛ بایستی از اهل فن سیاست، جامعه شناسی، ادبیات، فلسفه، انسان شناسی، مدیریت و حتی علوم طبیعی در مشارکت در تدریس بهره برد. انتظار ندارم که در آینده نزدیک این امر محقق شود چراکه فراهم آوری زیرساخت‌های موردنظر زمان زیادی می‌برد اما از همین اکنون دانشگاهیان ما باید به فکر تاسیس علم تاریخ جهان بيفتند.

دنیای امروز ما درگیر مشکلات عیدیه است؛ ما در زمانه‌ای هستیم که بحران‌های مختلف جهانی در آن ظهور و بروز یافته اند، این بحران‌ها شکل‌های مختلفی به خود گرفته‌اند؛ از تغییرات اقلیمی، خشکسالی، کمبود آب و آلودگی گرفته تا تروریسم، بنیادگرایی دینی، مهاجرت مردمان، بحران‌های سیاسی و اجتماعی چون انقلابات عربی و شمال آفریقا یا جنگ‌های یمن و سوریه و ده‌ها مشکل دیگر. حل این مشکلات تنها بر عهده اقتصاددانان، سیاستمداران یا جامعه شناسان نیست، تمام این مشکلات ریشه‌های بزرگ تاریخی دارند و بدون شناخت این ریشه‌ها ممکن است در کوتاه مدت این مشکلات حل شوند اما در درازمدت دوباره سرباز می‌کنند. تاریخ علمی است که می‌تواند مشکلات را ریشه یابی کرده و در حل آن‌ها به مدیران، سیاستمداران و اقتصاددانان یاری رساند. علم تاریخ جهان با هدف گذاری در شناخت پدیدارها و جریان‌های بزرگ تاریخی، با شناخت روابط متقابل میان جوامع انسانی، با تفسیر رابطه میان انسان و محیط و با فهم چیرستی و چگونگی تکامل نهادهای بزرگ بشری چون سازمان دینی، سازمان سیاسی، پیکره اقتصادی و بنیادهای فرهنگی و مدنی، در پی آن است که نشان دهد هر کدام از این نهادها از چه الگوهایی تشکیل شده و این الگوها در طول زمان چگونه تغییر یافته اند. اگر این الگوها را پیدا کنیم، الگوریتمی در دست داریم تا با آن بتوانیم مشکلات و مسائل انسانی مان را حل کنیم. علم تاریخ جهان همچنین رابطه ویژه ای با دو علم روش شناسی تاریخی - علوم اجتماعی و همچنین فلسفه تاریخ دارد چراکه این علم متکی بر روش شناسی علوم انسانی است و همچنین چون با معانی کلی تاریخی سروکار دارد، به فلسفه تاریخ وابسته است. دانشمند این علم، بایستی مجهز به رویکرد میان رشته ای بوده و درک درستی از تحولات جهانی روز داشته باشد.

سرفصل‌های درست و بروزی برای این علم فراهم آوریم؛ سرفصل‌هایی که خصوصاً مطابق با نیازهای شرقی-آسیایی ما باشند، دوم آنکه باید منابع مطالعاتی فراهم کنیم؛ چه جمع آوری منابع به السنه فرنگی و چه همت گماردن به ترجمه آثار اساسی در حوزه علم تاریخ جهان. البته نباید از تالیف داخلی نیز چشم پوشید، تاریخ‌دانان ما باید به درجه و مرحله‌ای برسند که خود درباره تاریخ جهان بتوانند دست به قلم ببرند. سوم آنکه باید زیرساخت‌های دانشگاهی برای چنین علمی



گرمایش زمین، خشکسالی، کمبود آب و آلودگی را بگیریم؟ مثال دیگر این که ما اکنون در عصری زندگی می‌کنیم که آن را جهانی شده می‌خوانند؛ البته در این عصر تبادل اطلاعات دو یا چند طرفه است اما قدرت رسانه‌های غرب بر جهان در حال توسعه می‌چربد و هویت‌های ملی، دینی و بومی در معرض هجمه فرهنگ‌های متضادند. آیا جهانی شدن سابقه تاریخ دارد؟ بله! جهانی شدن امری بی سابقه نیست؛ شما اگر با چیرستی امپراتوری‌ها در تاریخ آشنا نباشید، قادر به درک ماجرای جهانی شدن دنیای مدرن نیستید؛ چه در عصر شاهنشاهی هخامنشی که بزرگ‌ترین امپراتوری تاریخ است و چه در عصر امپراتوری روم ما شاهد دو الگوی متفاوت جهانی شدن است. امروز نیز غرب به مثابه یک امپراتوری، رسانه‌ها به مثابه یک امپراتوری و جهانی شدن به مثابه یک امپراتوری رودرروی ما قرار دارند. علم تاریخ جهان، به تمام این مسائل می‌پردازد تا بتواند پدیدارهای تاریخی را درک کند و الگوهای مشخص تاریخی را در بیاورد و راهکاری برای مشکلات دنیای مدرن در اختیار قرار دهد.

این علم، درکی کلی از تاریخ به دست می‌دهد، در واقع بر جزئیات تکیه ندارد بلکه کلیات تاریخی را مدنظر قرار دارد. ما به عنوان یک کشور در حال توسعه، نیاز به تاسیس چنین علمی در دانشگاه داریم. با وجود این، تاسیس علم تاریخ جهان ملزوماتی دارد: اول آنکه بایستی

**تاریخ علمی است که می‌تواند مشکلات را ریشه یابی کرده و در حل آن‌ها به مدیران، سیاستمداران و اقتصاددانان یاری رساند. علم تاریخ جهان با هدف گذاری در شناخت پدیدارها و جریان‌های بزرگ تاریخی، با شناخت روابط متقابل میان جوامع انسانی، با تفسیر رابطه میان انسان و محیط و با فهم چیرستی و چگونگی تکامل نهادهای بزرگ بشری چون سازمان دینی، سازمان سیاسی، پیکره اقتصادی و بنیادهای فرهنگی و مدنی، در پی آن است که نشان دهد هر کدام از این نهادها از چه الگوهایی تشکیل شده و این الگوها در طول زمان چگونه تغییر یافته اند.**

فراهم باشد که بنظرم در هر سه سطح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، ظرفیت پذیرش دارد. البته برای این امر نیاز به تربیت متخصصان داریم؛ تاریخ‌دانانی که به حوزه‌های مختلف علم تاریخ جهان مسلط باشند و البته باید رویکردی میان





# جبر حاکم و انسان قادر

تأثیر جبر تاریخی بر شکل گیری جوامع و نحوه کنترل آن: مطالعه موردی تاریخ صفویان

محمد جواد محسنی

دانشجوی کارشناسی تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

بخشی به حکومت و انحرافات و افراطها اشاره کرد. (پرغو و غلامزاده، «عزاداری محرم در عهد صفوی؛ یک بررسی آسیب‌شناختی»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام).

یکی از راه‌های آگاهی از وضعیت اجتماع، بررسی احکام صادره از سوی پادشاهان است. یکی از مواردی که با بررسی این احکام برای خواننده روشن می‌گردد، ابتلاء گسترده جامعه صفوی به دخانیات و شرابخواری است که پادشاه کشور، فرمانی درصدد ممنوعیت آن صادر می‌کند. (کریمیان و بیدگلی، «معضلات اجتماعی و اقتصادی شهرهای ایران عصر صفوی با استناد به فرمانهای حکومتی منقور بر سنگ؛ مطالعه موردی: اصفهان، یزد و کاشان»، فرهنگ، رستمی و قنواتی، «بررسی تطبیقی عملکرد شاهان صفویه در مقابله با منکرات»، جستارهای تاریخی؛ دالینی و مودت و موسوی و طباطبایی، «تحلیلی بر مردم‌نگاری جامعه ایرانی عصر صفوی به روایت سیاحان فرنگی بررسی موردی: سفرنامه پیترو دلاواله»، مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ). اما نکته برجسته در این میان، گستردگی استعمال قلیان توسط ایرانیان عصر صفوی است. به بیان یکی از جهانگردان، شاه صفی گاهی نسبت به منع استعمال قلیان فرمانی صادر می‌کرد اما به سبب خراج هنگفت حاصله از آن فقط در اصفهان، فرمان بیش از چند روز دوام نمی‌یافت. علاوه بر آن، تریاک نیز از جایگاه ویژه‌ای در میان ایرانیان عصر صفوی برخوردار بوده و بسیار محبوب بوده‌است. با مطالعه منابع آن دوره، به استعمال گسترده قلیان، تریاک، بنگ و انواع مختلف دخانیات مواجه می‌شویم و پی به گستردگی مصرف این موارد در میان اقشار مختلف مردم می‌بریم. (نسوری پناه، «مصرف دخانیات در ایران عصر صفوی»، پیام بهارستان؛ احمدی نسب و قدمی، «بررسی سیر ورود و مصرف مواد مخدر در دوره صفویه»، تاریخ نو).

اما نکته جالب توجه در بررسی فرمان‌های حکومتی، اختصاص بیش از ۷۰ درصد آن به موضوعات اقتصادی است که نشانگر، اهمیت این

عالم آرای عباسی تألیف: اسکندر بیک ترکمان»، گوهر؛ پرغو و غلامزاده، «عزاداری محرم در عهد صفوی؛ یک بررسی آسیب‌شناختی»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام؛ حاجیان پور، «مسائل اجتماعی ایران در دوره صفویه: پژوهشی در سفرنامه کم‌پفر»، نیمسال‌نامه تاریخ نو. از ویژگی عزاداری‌های این دوره می‌توان به مبالغه و اغراق در روایت ماجرای کربلا در جهت تحریک احساسات عمومی اشاره کرد. (پرغو و غلامزاده، «عزاداری محرم در عهد صفوی؛ یک بررسی آسیب‌شناختی»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام؛ دالینی و مودت و موسوی و طباطبایی، «تحلیلی بر مردم‌نگاری جامعه ایرانی عصر صفوی به روایت سیاحان فرنگی بررسی موردی: سفرنامه پیترو دلاواله»، مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ). اما از دیگر

از دیگر  
ویژگی‌های حکومت  
صفوی، ارتباط گسترده و  
تنگ‌تنگ روحانیان و فقهای بزرگ  
شیعه با شاهان صفوی به عنوان  
زمامداران قدرت سیاسی است، به  
طوری که عده‌ای از آنان به ستایش شاه  
می‌پرداختند و برخی آثار خویش را به نام  
شاه منتشر می‌ساختند. اگرچه در این میان  
گروهی دیگر نیز حضور داشتند که در  
برابر حکومت موضع می‌گرفتند و  
بدان روی خوش نشان نمی‌دادند  
که از جمله این افراد مقدس  
اردبیلی می‌باشد.

ویژگی‌های عزاداری‌های این دوره می‌توان به ورود تحریف و موارد کذب در مراسم و آثار مربوط به عزاداری، پدیدار شدن تشکیلات در جهت برپایی عزاداری، رشد جنبه‌های اقتصادی در آن، موقوفات گسترده، عزاداری رقابت‌گونه، نقش مشروعیت

در واپسین بخش این مقاله به بررسی سایر ویژگی‌های اجتماع عصر صفوی پرداخته و سپس به بحث مهم مقایسه ویژگی‌های مذکور با ایران معاصر می‌پردازیم. یکی از مشخصه‌های جامعه عصر صفوی ستم و ظلم موجود در آن بود که مردمان همواره از آن گله داشتند و این ستم متوجه طبقات مختلف بود، چنانکه اکثریت از ستم امیران و محصلان مالیاتی در امان نبودند و حتی ثروتمندان نیز با غارت اموالشان دست و پنجه نرم می‌کردند و گروه‌های مختلف نیز که بر دیگری پیروز می‌شدند، بنای ستم و جور می‌گذاشتند. در این وضعیت که در برقراری نظم، کوششی به عمل نمی‌آمد، آزادی عمل اوباش بر و خامت حال مردم می‌افزود و نتایجی چون پنهان‌سازی اموال و عدم استقرار مردمان را به دنبال داشت. عواملی چون موارد مذکور در کنار جنگ‌ها و کشتار و غارت متاثر از آن نیز موجب بروز قحطی و مواردی اینچنینی می‌شد اما از نکات قابل توجه، گرانی کالا و مواد مورد نیاز مردم در این اوضاع است که نشانگر فرصت‌طلبی عده‌ای حتی در سخت‌ترین وضعیت موجود بود. اگرچه در این شرایط عده‌ای از مردم به یاری هموعان خویش می‌آمدند و در قالب کمک‌های اقتصادی یا معنوی، به دستگیری از یکدیگر می‌پرداختند. (انصاری، «وضع مردم ایران در دوران صفویه: استنباط از قسمت اول تاریخ عالم آرای عباسی تألیف: اسکندر بیک ترکمان»، گوهر). از دیگر جلوه‌های زندگی مردم این عصر، عزاداری آنان در قالب روضه‌خوانی، مدیحه‌سرایی، سینه‌زنی، تعزیه و قه‌زنی در شهادت حسین بن علی بوده‌است که تمامی طبقات در آن شرکت می‌کردند. (نویسی و غفاری فرد، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، ۸۸-۳۸۷؛ انصاری، «وضع مردم ایران در دوران صفویه: استنباط از قسمت اول تاریخ



آنان را غیرقابل اعتماد می‌دانند. علاوه بر آن به اعتقادات مذهبی مردم آن عصر و مناسبت‌هایشان نیز اشاره می‌شود. (حاجیان پور، «مسائل اجتماعی ایران در دوره صفویه: پژوهشی در سفرنامه کم‌پفر»، نیمسال‌نامه تاریخ نو).

### میراث جامعه صفوی در ایران معاصر

در قسمت پیشین مقاله به ویژگی‌های برجسته موجود در عصر صفوی از دیدگاه تاریخ‌نگاران و سیاحان آن دوره پرداخته شد و تلاشی صورت پذیرفت تا مهم‌ترین عناصری که در منابع متعدد از آنان یاد شده در جنبه‌های مثبت و منفی به تصویر کشیده شوند تا آشنایی مختصری با کلیت اجتماع و قواعد حاکم بر آن، برای خواننده مقاله ایجاد شود. حال در این بخش از مقاله، به مفاهیم طرح شده در بخش پیشین و تاثیر آن در زندگی و اجتماع فعلی، پرداخته خواهد شد تا به پاسخ این پرسش دست پیدا کنیم که آیا جوامع مختلف از جمله ایران معاصر، رها از بند میراث اخلاقی و اجتماعی گذشتگان و کنشگرانی کاملاً آزاد و عاملند و یا هر شخصی به ناچار میراثی از گذشتگان در خویش دارد که بر زندگی فعلی وی اثر دارد؟

نخستین و برجسته‌ترین مفهوم طرح شده پیرامون ایران عصر صفوی، تقابل سران مملکت با یکدیگر است که وقوع آن در هر دوره تاریخی زیانبار است زیرا به دنبال آن، امور کشور رو به بی نظمی و رکود می‌رود. در ایران معاصر نیز، همانند چنین ویژگی‌ها و وقایعی را در ۱۵ بهمن سال ۱۳۹۱ نظاره کردیم و در جریان استیضاح یکی از وزرای کابینه دهم، شاهد درگیری روسای قوای مقننه و مجریه بودیم که بازتاب گسترده‌ای نیز در رسانه‌ها پیدا کرد. («فراز و فرودهای یک مجلس تمام اصولگرا؛ موافقانی که مخالف شدند»، پایگاه خبری آفتاب، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۵؛ «ماجرای روز یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۱ افشاگری احمدی نژاد در مجلس»، پایگاه خبری تحلیلی پیراسته، ۱۵ بهمن ۱۳۹۱).

اما ویژگی برجسته دیگر عصر صفوی به خصوص در واپسین ایام آن، عدم تساهل مذهبی و ستم بر دیگر مذاهب اسلام است که در آن دوره در قالب آزارهای مختلف و قتل و غارت افغانه به طور ویژه جلوه‌گر شده‌است اما در دوره فعلی دچار تغییر اندکی شده‌است. لازم به ذکر است که در ایران معاصر اقدامات زیادی در رفع موانع و محدودیت‌ها برای پیروان مذاهب و ادیان دیگر به انجام رسیده اگرچه همچنان تبعیض و محدودیت‌های مذهبی به اشکال مختلف در سطح جامعه ایران برقرار است که از آن جمله می‌توان



دوره صفوی با تکیه بر دیدگاه سفرنامه‌نویسان»، فصل‌نامه‌ی جندی‌شاپور).

از دیگر ویژگی‌هایی که در ایرانیان عصر صفوی به قوت یافت می‌شد و توسط افرادی غیرایرانی و سیاحان گزارش شده‌است، اعتقاد به امامان شیعه و معجزات آنان است. به خصوص توجه خاص ایرانیان پس از علی بن ابیطالب و

#### لازم

#### به ذکر است

#### که در ایران معاصر

#### اقدامات زیادی در رفع موانع

#### و محدودیت‌ها برای پیروان

#### مذاهب و ادیان دیگر به انجام رسیده

#### اگرچه همچنان تبعیض و محدودیت‌های

#### مذهبی به اشکال مختلف در سطح

#### جامعه ایران برقرار است که از آن جمله

#### می‌توان به محدودیت‌های اهل سنت در

#### دستیابی به بعضی از مشاغل و امکانات

#### کشور اشاره کرد که حتی در قانون

#### اساسی ریشه دوانده‌اند و وجود این

#### معضل، نشان از ریشه‌دار بودن

#### مسائلی اینچنینی در جامعه و

#### سیستم حکومتی ایران

#### دارد.

مقوله در اداره کشور و پیشبرد آن است. مورد دیگر مربوط به حکمی در باب منع تصرف اموال مردم توسط مامورین حکومتی است که بیانگر فساد اداری در میان آنان و سواستفاده از اختیارات است. (کریمیان و بیدگلی، «معضلات اجتماعی و اقتصادی شهرهای ایران عصر صفوی با استناد به فرمانهای حکومتی منقور بر سنگ؛ مطالعه موردی: اصفهان، یزد و کاشان»، فرهنگ). اما از دیگر ویژگی‌های حکومت صفوی، ارتباط گسترده و تنگاتنگ روحانیان و فقهای بزرگ شیعه با شاهان صفوی به عنوان زمامداران قدرت سیاسی است، به طوری که عده‌ای از آنان به ستایش شاه می‌پرداختند و برخی آثار خویش را به نام شاه منتشر می‌ساختند. اگرچه در این میان گروهی دیگر نیز حضور داشتند که در برابر حکومت موضع می‌گرفتند و بدان روی خوش نشان نمی‌دادند که از جمله این افراد مقدس اردبیلی می‌باشد. البته لازم به ذکر است که روابط میان روحانیان و حکومت دارای فراز و نشیب نیز بوده‌است به طوری که شخصی چون شاه عباس که در صدد افزایش اقتدار خویش بود، طبیعتاً هرگونه نهاد و عنصر خواهان قدرت را به گوشه‌ای می‌راند اما شخصیتی چون شاه سلطان حسین صفوی، به علت شخصیت مذهبی و ویژگی‌های اخلاقی، قدرت روحانیان را به گونه‌ای افزایش داد که کسانی چون مجلسی در راس امور قرار گرفتند. (زارعیان، «مناسبات روحانیان با دولت در عصر صفوی»، جامعه‌شناسی تاریخی).

اما جلوه‌ای دیگر از حیات مردمان عصر صفوی مربوط به حجاب بانوان آن می‌باشد. در عصر صفوی، بانوان از چندین حجاب استفاده می‌کردند که در زمان حضور در بیرون از منزل، به چهار عدد می‌رسید. موارد مختلف مورد استفاده آنان در پوشش نقاط مختلف بدن آنان به کار می‌رفت اما نکته قابل توجه کاربرد چادر در آن زمان و استفاده گسترده از آن می‌باشد که از البسه اصلی هر بانوی صفوی بوده و در منابع از آن یاد شده‌است. (دنیاری، «وضعیت اجتماعی زنان در



آن می‌باشند. (آیت‌الله صادق شیرازی کیست و چرا با جمهوری اسلامی مخالف است؟، دویچه وله، ۱۹ اسفند ۹۶) اما نکته‌ی کلی که حایز اهمیت است این است که مذهب یکی از ارکان قدرت از دوران قدیم در سرزمین ایران بوده و منحصر به عصر حاضر نمی‌باشد و در نتیجه در تبیین وضعیت موجود با توجه به پیشینه‌ی تاریخی، باید از سخنان عوامانه دوری جست. ویژگی برجسته‌ی دیگر جامعه‌ی عصر صفوی دستگاه عزاداری آن به خصوص برای حسین بن علی می‌باشد که تأثیرات آن را امروزه به طور گسترده در مجموعه‌های عزاداری شاهد هستیم و ویژگی‌های مثبت و منفی آن شاید حتی پررنگ‌تر از گذشته همچنان در جامعه‌ی ایران موجود است. اگر به دیدگاه‌های آسیب‌شناسانه پیرامون دستگاه عزاداری در ایران معاصر نظری بیفکنیم، به میزان بالای مشابهاً دغدغه‌ها در این زمینه پی خواهیم برد، به طوری که بررسی سخنان رهبر ایران اسلامی، وجود دغدغه در حوزه‌های مختلف این مراسم را بیان می‌دارد. (آسیب‌شناسی مجالس عزاداری از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، کیهان، ۲۹ شهریور ۱۳۹۶). اما مورد دیگری که در همین حوزه جالب توجه است، جنبه‌ی اقتصادی مربوط به بدن است که حاوی ارقام و گزارش‌های متنوع و البته مهم است که بیانگر اهمیت این واقعه در نزد ایرانیان و جنبه‌های دیگر عزاداری محرم به غیر از اثرات فرهنگی و هنری است. (نذری‌های میلیاردی، خبرگزاری دانشجویان ایران، ۲۲ شهریور ۱۳۹۶). در پایان این مبحث نیز باید به گستردگی بحث وقف در میان ایرانیان از گذشته تاکنون اشاره گردد که همواره به وقف اموال مختلف در راه عزاداری محرم می‌پرداختند و این جریان دارای رواج بسیاری بوده‌است. (عزاداری محرم، نیت وقف ۳۲ درصد از موقوفات کشور، خبرگزاری صدا و سیما، ۸ مهر ۱۳۹۷).

اما ویژگی دیگر موردنظر فساد اخلاقی موجود در ایران است. عده‌ی زیادی پیرامون بررسی و حل فساد و ریشه‌های آن در جامعه‌ی ایران، به

در خراسان جنوبی، «خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸ خرداد ۱۳۹۵؛ «دخالت ارگان‌های موازی در حوزه غذا و محصولات آرایشی و بهداشتی برپیده شود»، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۸ خرداد ۱۳۹۸) از دیگر مشخصه‌های مهم عصر صفوی که بسیار قابل توجه است، اتحاد عناصر مذهبی و سیاسی و به عبارت دیگر پیوند دین و دولت است. این ویژگی به علت ماهیت شیعی دولت صفوی، در سراسر دوران تسلط این حکومت، بسیار پررنگ بوده و مورد توجه مورخان و محققان متعددی قرار گرفته‌است. طبیعتاً شباهت‌هایی که امروزه نیز شاهد آن هستیم نیز متأثر از عقبه‌ی تاریخی این موضوع در جامعه‌ی ایران و قدرت سیاسی مربوط به بدن است و نمی‌توان این مسئله را منحصر به دوران تسلط نظام جمهوری اسلامی دانست. البته لازم به ذکر است که در زمان معاصر نیز همچون

### دیگر ویژگی

#### جامعه‌ی معاصر ایران،

#### استعمال گسترده‌ی دخانیات همچون

#### قلیان و دیگر مواد مخدر است. امروزه

#### شاهد افزایش مصرف انواع دخانیات در

#### سطح جامعه و نگرانی متخصصین در

#### این حوزه هستیم که با توجه به سابقه

#### تاریخی این امر در جامعه‌ی ایرانی،

#### رفع آن نیازمند ریشه‌شناسی و

#### اقدامات اساسی است.

عصر صفوی، عده‌ای از روحانیان بر خلاف جهت اکثریت عمل می‌کنند و با طبقه‌ی حاکم به توافق نمی‌رسند. البته این امر از بدیهیات هر حکومتی است که عده‌ای موافق با حاکم جامعه و نظام مربوطه می‌باشند (رهبر معظم انقلاب در نگاه علما و مراجع تقلید، خبرگزاری فارس، ۱۴ فروردین ۱۳۹۱) و عده‌ای نیز بدان معترض و دارای زاویه با

به محدودیت‌های اهل سنت در دستیابی به بعضی از مشاغل و امکانات کشور اشاره کرد که حتی در قانون اساسی ریشه دوانده‌اند و وجود این معضل، نشان از ریشه‌دار بودن مسائلی اینچنینی در جامعه و سیستم حکومتی ایران دارد. (جایگاه اهل سنت در جمهوری اسلامی، بی بی سی فارسی، ۲۳ بهمن ۱۳۹۲).

اما دیگر ویژگی مذموم که گریبانگیر جامعه و سیستم اداری ایران است، فساد اداری و اقتصادی می‌باشد. به طوری که این معضل در تمامی سطوح اداری و مدیریتی کشور نفوذ کرده و ضربه‌های سنگین نیز به منافع ملی وارد آورده است و تاکنون نیز جلوه‌های این فساد را در اختلاس‌های متعدد که دارای ابعاد گوناگون بوده‌اند، شاهد بوده‌ایم. اختلاس‌هایی که رخنه‌ی فساد در اجزای جامعه و حکومت را به تصویر می‌کشد و آمارهایی از رتبه‌ی فساد ایران که بیانگر میزان وخامت اوضاع می‌باشد. («با بزرگترین اختلاس گران تاریخ ایران آشنا شوید/ از سیاسی‌ترین فساد مالی تا گم شدن دکل نفتی»، باشگاه خبرنگاران جوان، ۳ آبان ۱۳۹۷؛ «رتبه «فساد» ایران در سال ۲۰۱۸ چند بود؟»، تابناک، ۸ اسفند ۱۳۹۷). دیگر ویژگی ایران معاصر فاصله‌ی طبقاتی عظیم میان اکثریت جامعه و سران آن می‌باشد که اعتماد اجتماعی را از بین می‌برد و محبوبیت حکومت و متصدیان آن را به شدت کاهش می‌دهد و مسئولان حکومت را از درک مشکلات جامعه عاجز می‌سازد. از جمله مصادیق فاصله‌ی فاحش میان سران کشور و اکثریت مردم، که حواشی زیادی نیز ایجاد کرد، مربوط به دارایی وزیران کابینه دولت بود که اعتراضات زیادی را برانگیخت. («از وزرای ۱۰۰۰ میلیاردی تا سونا و استخر ۷ میلیاردی/ وزیر میلیونر چقدر با مشکلات مردم آشناست؟»، پایگاه خبری تحلیلی فردا، ۶ اردیبهشت ۱۳۹۳؛ «دولت با وزیران هزار میلیاردی قادر به حل مشکلات اقتصادی مردم نیست»، کیهان، ۲۰ فروردین ۱۳۹۶).

از دیگر مشکلات سنتی و قدیمی مجموعه‌ی اداری ایران از گذشته دور، نبود حدود مشخص وظایف برای هریک از نهادها و ارگان‌های حکومتی و ورود آنان به حريم یکدیگر و دخالت در امور دیگری است که بی‌نظمی شدید اداری را به دنبال دارد. این دخالت‌ها گاهی به علت عدم شفافیت قوانین و مسئولیت دستگاه‌ها و گاهی نیز به علت کشمکش میان نهادهای حکومتی است. نمونه‌ی این موازی‌کاری‌ها را در ابعاد مختلف و در نقاط مختلف کشور شاهد هستیم. («موازی‌کاری و تعدد دستگاه‌ها مهمترین چالش فرهنگی شهر تهران»، خبرگزاری بین‌المللی قرآن، ۲۴ دی ۱۳۹۶؛ «موازی کاری دستگاه‌ها، چالش برنامه‌های اوقات فراغت



حیات خویش در این جامعه، به آسانی موارد مورد نظر را لمس خواهد کرد.

## تداوم میراث صفوی و روش غلبه بر وضعیت حاکم

در بخش‌های گذشته به بررسی مستندات تاریخی موجود در عصر صفوی پرداختیم و بدین مورد پی بردیم که آن جامعه همچون جوامع دیگر دارای ویژگی‌ها و ساختار مخصوص به خود بوده‌است. ساختاری که متأثر از سبک زندگی مردمان آن دوره، مذهب و قدرت سیاسی مسلط بر آن بوده‌است. اگرچه جامعه صفوی نیز دارای عناصر متعددی از جوامع و حکومت‌های پیش از خود بوده که در این مجال فرصت پرداختن بدان نیست. اما لازم به ذکر است که تمامی ویژگی‌ها و عناصر آن دوره در مجموعه‌ای فشرده، به گذر از دوره‌های تاریخی پرداخته و برای جامعه امروز ایران به ارث رسیده‌است. جامعه‌ای که دارای صفات مثبت و منفی فراوان است و خود را مولد این صفات می‌داند در حالی که باید بدین امر آگاهی داشت که تنها بخشی از عقاید و شخصیت افراد متأثر از جامعه خویشتن است و تمامی آدمیان به اجبار، میراثی از گذشتگان خویش دارند.

میراثی از اخلاق، سبک زندگی و موارد دیگر که در زندگی و عادات روزمره خود را بروز و ظهور می‌دهد و در موارد خاص، کاملاً آشکار می‌گردد. در جامعه امروز ایران، شاهد بسیاری از عناصر، ویژگی‌ها و آداب و رسوم هستیم که به زعم نگارنده، تحت تأثیر گذشتگان و نیاکان مردمان این سرزمین است و آنان نیز این صفات را از گذشته دور اخذ کرده‌اند. صفاتی که گاهی برای حضورشان در خویشتن و دلیل آن، پاسخی نمی‌یابیم و همین امر ما را دچار سرگردانی می‌سازد. گاهی به مواردی علاقه داریم یا رفتاری از خویش بروز می‌دهیم که با منشاء آن بیگانه‌ایم. مسیری را انتخاب می‌کنیم که از مقصد آن اطلاعی نداریم اما کشتی در خویشتن برای برگزیدن مسیر پیدا می‌کنیم که برایمان عجیب است و به نظر می‌رسد، این کشش میراثی از حالات و رفتار گذشتگان است که ما را به مواردی خاص سوق می‌دهد. آنچه از نیکی دوست داشته و بدان گرایش داریم تا حدودی متأثر از نیاکانمان است. اما پیرامون رذایل و بدی‌های خویشتن و مشکلات معاصر، نباید چون عوام دید محدود به چند دهه اخیر یا مدتی پیش از آن داشته باشیم. بلکه باید به کنکاش ریشه آن در گذشته خود و نیاکانمان بپردازیم. چه بسا که ویژگی‌های منفی امروز، عناصر مثبت و کارآمد دیروز بوده‌اند که در

وله، ۳ مهر ۱۳۹۶؛ «کاهش سن مصرف سیگار تا ۱۱ سالگی/ پشت پرده افزایش آمار استعمال دخانیات در کشور چیست؟»، خبرگزاری خانه ملت، ۵ خرداد ۱۳۹۷؛ «دلایل افزایش کشیدن سیگار در میان دانشجویان ایرانی»، پایگاه خبری تحلیلی فردا، ۲۳ بهمن ۱۳۹۶؛ «قلیان سرگرمی جوانان ایرانی»، اسپوتنیک، ۲۹ آبان ۱۳۹۷).

واپسین مشخصه مردمان عصر صفوی که مربوط به بانوان آن می‌باشد، استفاده از حجاب کامل به خصوص چادر در آن عصر است. به خصوص که این حجاب، برای حضور در جامعه ضروری به نظر می‌رسیده‌است. اما امروزه شاهد جدال و تنش‌های زیادی پیرامون اعضای مختلف جامعه در راستای پیاده‌سازی این عنصر هستیم.

### پیرامون

### رذایل و بدی‌های

### خویشتن و مشکلات

### معاصر، نباید چون عوام دید

### محدود به چند دهه اخیر یا مدتی پیش

### از آن داشته باشیم. بلکه باید به کنکاش

### ریشه آن در گذشته خود و نیاکانمان

### بپردازیم. چه بسا که ویژگی‌های منفی

### امروز، عناصر مثبت و کارآمد دیروز

### بوده‌اند که در گذر زمان دچار تحول

### معنا شده و در دسته اعمال منفی

### جای گرفته‌اند و همینطور

### بالعکس.

اما با توجه به ریشه‌دار بودن این مسئله در تاریخ ایران، بحث‌های پیرامون آن، نیازمند تحقیقات اساسی به خصوص در زمینه تاریخی و فرهنگی است و صرفاً با جدال‌های بیهوده و لشکرکشی‌های خیابانی به نتیجه نخواهد رسید. («حجاب در جامعه ایرانی: ضرورت، الزام یا چالش؟»، پایگاه خبری و تحلیلی انصاف، ۱ آبان ۱۳۹۷؛ «حجاب اجباری و ترویج خشونت علیه زنان»، بی بی سی فارسی، ۳ آذر ۱۳۹۷).

در آخر لازم به ذکر است که در این بخش به بسیاری از شباهت‌های دو جامعه ایران در دو عصر مختلف پرداخته شد و مصادیق آن مورد بررسی قرار گرفت اما بسیاری از ویژگی‌های دیگر نیز در مقاله موجود است که بیان نگردیدند. موارد موجود به دلیل جامعیت و آشنایی تمامی افراد جامعه با آن و یا نبود منابع خبری در پوشش آنان، مورد بررسی قرار نگرفتند اما مردمان و محققان حاضر در جامعه به راحتی قادر به درک و لمس موارد ذکر نشده هستند، زیرا تمامی عناصر مذکور در این مقاله، از ویژگی‌های جامعه ایرانی بوده و هر فردی در طی

اقدامات گسترده دست یازیده‌اند اما نمایی که اکنون در برابر دیدگان همه است، عدم کارایی تمامی روش‌ها و پیشنهادات تا به امروز را به ذهن متبادر می‌سازد. («سقوط اخلاقی جامعه ایران»، سایت تحلیلی خبری عصر ایران، ۳ مرداد ۱۳۹۰؛ «مهم‌ترین مشکلات جامعه ایران چیست؟»، اطلاعات، ۱۴ دی ۱۳۹۷؛ «آمار تکان دهنده مجلس از روابط جنسی در ایران»، تابناک، ۱۸ مرداد ۱۳۹۳).

از دیگر موارد مورد اشاره، سنخ رفتار اقتصادی برخی از صاحبان سرمایه در ایران و پدیده‌های ناشی از آن است که نمونه بارز آن پدیده احتکار در سطح گسترده می‌باشد که توسط افراد مختلف در جهت کسب سود بیشتر انجام گرفته و مردم را به شدت تحت فشار قرار می‌دهد. برای فهم این رفتارها باید به مواردی همچون گذشته این کشور، خاستگاه اقتصادی این افراد و نوع تحصیل مال توجه کرد. («کشف ۲۰ میلیارد لوازم خانگی و داروی احتکار شده»، سایت خبری تحلیلی شفاف، ۱۳ مرداد ۱۳۹۷؛ «شواهد از احتکار محصولات ایران خودرو حکایت دارد»، تابناک، ۱۶ خرداد ۱۳۹۷؛ «سرانجام احتکار محصولات پتروشیمی چه شد؟»، پایگاه خبری آفتاب، ۶ آبان ۱۳۹۷).

اگرچه صفات مثبت نیز در میان مردمان عصر صفوی و مردم معاصر موجود است و این نکته از بدیهیات است، چنانکه به سنخ رفتار همدلانه مردم ایران در جریان سختی‌ها اشاره شده و از یاری آنان به یکدیگر در شرایط قحطی، جنگ و ... در منابع سخن به میان آمده‌است. امروزه نیز شاهد این همدلی در میان مردم در امور گوناگون هستیم که کمک‌های گسترده به زلزله‌زدگان پس از وقوع آن، همچون واقعه کرمانشاه از نمونه‌های آن است. («همدلی و همیاری میان ویرانه‌ها»، مردم‌سالاری آنلاین، ۲۸ آبان ۱۳۹۶؛ «ملت ایران در جریان زلزله کرمانشاه اوج وحدت را به نمایش گذاشتند»، خبرگزاری تسنیم، ۲۶ آبان ۱۳۹۶؛ «رفتار مردم پس از زلزله: تخلیه هیجانی یا نعدوستی مهار نشده»، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸ آذر ۱۳۹۶).

دیگر ویژگی جامعه معاصر ایران، استعمال گسترده دخانیات همچون قلیان و دیگر مواد مخدر است. امروزه شاهد افزایش مصرف انواع دخانیات در سطح جامعه و نگرانی متخصصین در این حوزه هستیم که با توجه به سابقه تاریخی این امر در جامعه ایرانی، رفع آن نیازمند ریشه‌شناسی و اقدامات اساسی است. («دخانیات قاتل ۶۰ هزار ایرانی در سال»، اسپوتنیک، ۲۰ فروردین ۱۳۹۷؛ «افزایش مصرف قلیان در بین جوانان و نوجوانان زنگ خطری برای جامعه است»، خبرگزاری دانشجویان ایران، ۲۶ تیر ۱۳۹۵؛ «افزایش مصرف سیگار و قلیان بین دختران نوجوان ایرانی»، دوپچه



گذر زمان دچار تحول معنا شده و در دسته اعمال منفی جای گرفته‌اند و همینطور بالعکس.

به طور کلی هدف نهایی این مقاله در این است که از بالا به حوادث و رویدادها و عناصر اجتماعی بنگریم و خویشتن را محدود به روایت‌های پوچ عامیانه و پیش‌داوری‌های تکراری نکنیم زیرا راه ما را در وصول به حقیقت و دانایی سد خواهند کرد. علاوه بر آن تاثیر اجتماع بر افراد در طی زمان نیز موردنظر است. اگرچه یک نکته بسیار مهم را نباید از نظر دور داشت.

نمونه عالی‌تر نسل‌های پیش از خویش است که عناصر مختلف موجود در آنان و جامعه‌هایشان اعم از مثبت و منفی را به ارث برده‌است. اما باید توجه داشت که می‌توان با تسلط بر روح و شخصیت خویشتن، تاثیر جبر تاریخی را به حداقل رساند. به معنای دیگر شاید ما تاثیرات این جبر را در زندگی مشاهده نماییم اما قادریم تا با تکیه بر تکیه‌گاه مستحکم وجودی خویش، شخصیتی مستقل از پیشینیان شکل داده و به مشکلات آنان گرفتار نیامده و بدین ترتیب میراثی مثبت برای



بسیاری از افراد با مشاهده مطالبی اینچنینی، اقدام به تبرئه خویشتن می‌نمایند و جبر را عامل هر نوع تصمیم‌گیری به خصوص در زمینه‌های منفی می‌دانند اما باید بر این نکته واقف بود که انسان با وجود تمامی تاثیرات از محیط و گذشته خویشتن، همچنان موجودی آزاد و دارای اختیار است که در گزینش عناصر متنوع پیش‌روی خویش مختار است و می‌تواند تاثیرات تاریخی و خارجی را به حداقل برساند به طوری که در پایان، شخصیت او آمیخته‌ای از تمایلات و اولویت‌های اوست که، انسانی اجتماعی را شکل می‌دهد و به کنشگری در جامعه می‌پردازد.

### نتیجه‌گیری

انسان‌ها در تمامی شرایط و دوره‌های تاریخی تحت تاثیر اسلاف خود هستند و در دوره‌های مختلف حیات خویش، از آنان تاثیر می‌پذیرند به طوری که این امر در شکل‌گیری شخصیت و جنبه کلی هریک از افراد نوع بشر موثر است و به عبارتی جبر تاریخی بر مردمان و جوامع مختلف تاثیری تام و انکارناپذیر دارد. بسیاری از نکات مثبت یا مشکلات و مسائل غیر قابل حل جوامع و مردمان هر عصر را باید در تاریخ و گذشته آنان جستجو کرد تا بتوان با ریشه‌یابی به حل موارد مورد نظر پرداخت. به عبارت دیگر انسان به علت جبر تاریخی موجود، میراث‌دار و

آیندگانمان به یادگار بگذاریم و وصول این امر غیرممکن نیست؛ آنچنان که عده‌ای در میان تباهی‌های گسترده در آن عصر، قادر به پرورش و احیای صفاتی نیکو همچون اوقاف و همدلی در مواقع بحرانی شدند و با تقویت پایه‌های آن، صفاتی اینگونه را به نسل‌های بعد منتقل ساختند. زیرا این واقعیت روشن بسیار مهم است که جبر تاریخی وجود دارد اما در عین حال انسان موجودی دارای اراده و قدرت انتخاب است که توانایی دارد محدودیت‌های زندگی خویشتن را برطرف کرده یا به حداقل برساند و در نتیجه بشر امروزی نیز با تلاش فراوان قادر خواهد بود تا به گزینش عناصر تاریخی بپردازد و تاثیرات حاصل از جبر تاریخی را کنترل نموده و به دلخواه خود تنظیم کند.

### منابع

- آصف، محمد هاشم (۱۳۵۴). رستم‌التواریخ. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی و انتشارات امیرکبیر.
- احمدی نسب، نعمت‌الله و قدمی، حامد (۱۳۹۴). «بررسی سیر ورود و مصرف مواد مخدر در دوره صفویه». تاریخ نو، ش. ۱۰.
- انصاری، نوش آفرین (۱۳۵۴). «وضع مردم ایران در دوران صفویه: استنباط از قسمت اول تاریخ عالم آرای عباسی تألیف: اسکندر بیگ ترکمان». گوهر،

ش. ۳۲.

• پرغو، محمدعلی و غلامزاده، صدیقه (۱۳۹۴). «عزاداری محرم در عهد صفوی؛ یک بررسی آسیب‌شناختی». فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام، ش. ۶۳.

• تابش، یعقوب و آقاجری، سید هاشم و حسنی، عطاءالله (۱۳۹۶). «تأثیر فرمان منع مسکرات شاه تهماسب اول بر مصرف افیون در دوره اول حکومت صفوی (۹۰۷-۹۹۶ق)». پیام بهارستان، ش. ۳۳.

• حاجیان پور، حمید (۱۳۹۱). «مسائل اجتماعی ایران در دوره صفویه: پژوهشی در سفرنامه کمپفر».

• نیمسال‌نامه تاریخ نو، ش. ۴.

• دنیاری، سکینه (۱۳۹۴). «وضعیت اجتماعی زنان در دوره صفوی با تکیه بر دیدگاه سفرنامه نویسان».

• فصل‌نامه‌ی جندی‌شاپور، ش. ۳.

• رستمی، فاطمه و قنواتی، مهدی (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی عملکرد شاهان صفویه در مقابله با

• منکرات». پیام بهارستان، ش. ۱.

• زارعیان، مریم. «مناسبات روحانیان با دولت

• در عصر صفوی». جامعه‌شناسی تاریخی، ش. ۲

• (۱۳۹۱).

• کروسینسکی، تادوز یودا. سفرنامه‌ی کروسینسکی.

• ترجمه‌ی عبدالرزاق دنبلی.

• کریمیان، حسن و بیدگلی، محبوب سادات (۱۳۸۷).

• «معضلات اجتماعی و اقتصادی شهرهای ایران

• عصر صفوی با استناد به فرمانهای حکومتی

• منقور بر سنگ؛ مطالعه موردی: اصفهان، یزد

• و کاشان». فرهنگ، ش. ۶۸.

• مرعشی صفوی، محمد خلیل (۱۳۶۲).

• مجمع‌التواریخ. کتابخانه طهوری - کتابخانه

• سنائی.

• مستوفی، محمد محسن (۱۳۷۵). زبده‌التواریخ.

• تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

• موسوی دالینی، جواد و مودت، لیدا و موسوی،

• سیده طاهره و طباطبایی، سید حسین (۱۳۹۵). «

• تحلیلی بر مردم‌نگاری جامعه ایرانی عصر صفوی

• به روایت سیاحان فرنگی بررسی موردی: سفرنامه

• پیتر دلاواله». مطالعات تاریخ فرهنگی (پژوهشنامه

• انجمن ایرانی تاریخ، ش. ۲۸.

• نوایی، عبدالحسین و غفاری فرد، عباسقلی (۱۳۹۵).

• تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و

• فرهنگی ایران در دوران صفویه. تهران: سازمان

• مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.

• نوری پناه، همایون (۱۳۹۱). «مصرف دخانیات در

• ایران عصر صفوی». پیام بهارستان، ش. ۱۸.



## استعمارزدایی ملل جهان سومی

### ناهید بدیعی

دانشجوی کارشناسی تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

### نگاهی اجمالی به وضعیت الجزایر و تونس پیش از استعمار

کشورهای عربی مغرب، در شمال آفریقا از نظر جغرافیای و تاریخی دارای شباهت‌های بسیاری هستند. در دوران پیشامدرن روابط خانوادگی اساس این جوامع بود و جوامع کچرو نیز دارای اعتبار و اهمیت بسیاری بودند. حاکمیت الجزایر و تونس هیچگاه موفق نشد بر تمام مناطق حاکمیت و قدرت خود را نشان دهد و اجرا کند.

از دوران قبل حکومت‌های مذهبی اداره این کشورها را برعهده داشتند، مثل مرابطون، موحدون و... اما چون این مناطق عمدتاً تحت حمله مسیحیان قرار می‌گرفتند. پس جهاد علیه مسیحیت در بین آن‌ها صورت گرفت و طریقت‌هایی نو از این طریق به وجود آمد. قاویه، رحمانیه، تیجانیه از این نوع طریقه‌ها بودند. از قرن ۱۷ میلادی بود که حملات مسیحیان کاهش یافته‌بود اما خطری بزرگتری کشورهای شمال آفریقا را تهدید می‌کرد که مدرنیسم نام داشت. مسلمانان تمدن اروپایی را همانند تمدن خود می‌دیدند اما اینک این تمدن پیش افتاده‌بود و مسلمانان به فکر راه چاره بودند. الجزایر تا سال ۱۵۲۹ م دارای حکومت یکپارچه‌ای نبود؛ با وجود موحدون و مرابطون و امیرنشین‌های مختلف باز هم فاقد حکومت مرکزی بود. در سده ۱۵ میلادی، ساختار اجتماعی این منطقه تغییر کرد و براساس تقسیم‌بندی گروه‌های خانوادگی و تحت رهبری صوفیان و رژیم‌های سیاسی درآمد.

فرایند تسلط عثمانی بر الجزایر، محصول تجاوزه‌های اسپانیایی‌ها در قرن ۱۳ میلادی به الجزایر بوده‌است و به همین خاطر امیرنشین الجزایر از دریانوردان که رعایای سلطان ترک بودند، کمک خواست و در سال ۱۵۲۹ م ینی‌چری‌ها

الجزایر را فتح کردند و این چنین الجزایر تحت حمایت ینی‌چری‌ها درآمد. در قرن ۱۶-۱۷ م. الجزایر یک ارتش کوچک اما بسیار نیرومند ایجاد کرد و توسط آن به ائتلاف‌های قبیله‌ای که در الجزایر ایجاد شده‌بود، خاتمه بخشید.

قرن ۱۹ میلادی، رابطه‌ای که میان رژیم‌های الجزایر و فرقه‌های قادریه، تیجانیه و ... بود فروپاشید. چون این فرقه‌ها در نواحی مختلف و معینی نفوذ داشتند، قابلیت گسترش فراگیر نداشتند؛ چرا که خصومت مابین آن‌ها و مخالفت با یکدیگر اجازه شکل‌گیری گروهی واحد برای مبارزه با

از سال ۱۸۶۹

**میلادی بود که دولت تونس به دلیل عدم پرداخت وام‌های خود بخشی از اقتدار خود را از دست داد و تجارت دریای تونس نیز به شدت آسیب دید و دولت‌های اروپایی وی را مجبور کردند که در کمپسیون مالی بین‌المللی مرکب از بریتانیا، فرانسه و ایتالیا بپذیرد و تعهد دهد که تمام امور اقتصادی و بازرگانی خود را تحت نظر این کشورها قرار دهد.**

رژیم را به آن‌ها نمی‌داد. اواخر قرن ۱۹ م. بحران شمال آفریقا شکل می‌گیرد. سلطان عثمانی دیگر توانایی محافظت از مسلمانان را نداشتند و رژیم‌های حاکم بر منطقه نیز دیگر قادر نبودند؛ وضعیت با ثباتی ایجاد کنند و درضمن اقتصاد مناطق هم در این دوران تحت سلطه اروپاییان قرار گرفته‌بود و در نتیجه تمام این عوامل بود که رژیم الجزایر تحت حمایت فرانسه شد. از جمله حوادثی که باعث مستعمره شدن الجزایر شد، گندم دریافتی از بیک حسین توسط فرانسه بود. فرانسه مبلغ ۵ میلیون گندم از الجزایر خریداری کرد اما پول آن‌ها را پرداخت نکرد. این دو دولت دیداری را ترتیب دادند که درمورد این مسئله صحبت کنند؛ اما بیک



حسین که در این دیدار به شدت عصبی بود با مگس‌پرانی که در دست داشت به صورت کنسول فرانسه ضربه زد و با عصبانیت صحبت خود را به اتمام رساند. فرانسه که از مدت‌ها پیش به فکر تصرف الجزایر بود این امر را بهانه خوبی تلقی کرد و با ۱۰۰ کشتی جنگی و ۳۶ هزار سرباز به بندرهای شهر حمله کرد و الجزایر را در دست گرفت. این واقعه در دوران شارل دهم رخ داد. (برومند اعلم، ۱۳۹۲، ص ۴۳-۵۱؛ آژرون، ۱۳۶۵، ص ۲۸-۳۱)

عثمانی‌ها تونس را نیز تحت تسلط خود درآوردند و دولت این منطقه را احیا کردند. تونس در دست ینی‌چری‌های عثمانی قرار گرفته‌بود و آن‌ها تسلط کامل منطقه را بر عهده داشتند. دولت تونس یک دولت سنتی بود و از نظر اجتماعی توده مردم اولویت را مرجعیت دینی می‌دانستند و قابل ذکر است که مذهب رسمی آن‌ها مالکی بود. خیرالدین پاشا در این دوران اصلاحات بسیاری در تونس ترتیب داد؛ وی اصلاحات آموزشی، کشاورزی، بهداشتی و ... در کشور به انجام رساند. اصلی‌ترین محور اصلاحات خیرالدین تونس‌سی همان اصلاحات نظام آموزشی بود او همچنین دروس جدیدی همانند ریاضیات، فیزیک، شیمی، علوم طبیعی، تاریخ، جغرافیا، علوم دینی و... را وارد مدارس کرد. خیرالدین همچنین تلاش کرد تا به روحانیون اثبات کند در راه فراگرفتن تجارب سیاسی، اقتصادی





اسلام اهداف خود را پیش ببرند و تمایل داشتند تعریف جدیدی از اسلام ارائه کنند.

\*واکنش اقشار سنتی، همانند رهبران قبایل، بازرگانان، کشاورزان، تاجران و... که رهبری آنها را علما و صوفیان به دست داشتند؛ این افراد خواستار سازمان‌دهی افراد مسلمان بودند و اصلاح امور براساس اصول اسلامی را مدنظر خود قرار داده بودند. در تونس واکنش از نوع اول بیشتر بود و این موضوع درحالی بود که در الجزایر واکنش مردم به صورت نوع دوم بوده است.

در مقابله با نیروهای استعمارگر فرانسه، آنچه اهمیت دارد مقاومت اهالی الجزایر نیست، بلکه نقش اسلام در این کشور است. در الجزایر مردم با پراکندگی‌های جمعیتی و انواع مختلف زندگی وجود دارند اما اسلام درواقع ابزاری بوده برای مبارزه با فرانسوی‌ها و جوهر بقای این مبارزه همین «اسلام» است.

فرانسه از اهمیت اقتصادی، استراتژیک و سیاسی الجزایر به خوبی آگاه بود و تمام تلاش خود را به کار گرفت که این شهر را از دست ندهد. درعوض مردم الجزایر نیز متوجه شده بودند که باید به قدرت خود متکی باشند و به وعده‌های فرانسه دل‌خوش نکنند. پس کنار امیر عبدالقادر مقاومتی ترتیب دادند که ۱۷ سال طول کشید. فرانسه پس از جنگ‌های سنگینی که با مخالفان خود در الجزایر داشت، موفق شد در سال ۱۸۴۷ م. سپاهیان عبدالقادر را شکست دهد. امیر عبدالقادر هم اسیر شد و ابتدا به فرانسه و سپس به دمشق تبعید گشت. فرانسه با استفاده از نیروهای نظامی خود و محلی‌ها موفق شد در سال ۱۸۹۵ م. تمام خاک الجزایر را به تصرف خود درآورد. با اینکه فرانسه چنین موفقیتی به دست آورد اما قیام‌های مردم هیچوقت به کلی فروکش نکرد و در نقاط مختلف الجزایر همچنان ادامه داشت. مانند قیام‌های محمد بن عبدالله، سیدی سلیمان، لا لا فاطمه و... این رهبران عموماً از شیوخ طریقت و مدارس

دیگر نیز بر سر الجزایر و مصر میان انگلیس و فرانسه بود که در نهایت الجزایر نصیب فرانسه شد و مصر نیز به انگلیس رسید.

جنگ‌های فرانسه علیه تونس در سال‌های متمادی رخ داد و این موضوع نشان دهنده آرزوی دیرینه فرانسه برای به دست آوردن تونس بوده است: در سال‌های ۱۶۰۹ م، ۱۶۱۹ م، ۱۶۶۶ م، ۱۶۷۰ تا ۱۶۷۲ م، ۱۶۸۲ تا ۱۶۸۳ م، ۱۷۴۱ م و... جنگ‌هایی برای کسب قدرت در تونس به وسیله فرانسه انجام شده است. (برومند اعلم، ۱۳۹۲، ص ۵۱-۵۷؛ زینی‌وند، ۱۳۹۶، ص ۱۵۱-۱۵۳) این تلاش‌ها در نهایت در قرن ۱۹ میلادی نتیجه داد و فرانسه موفق شد در فاصله زمانی

و فنی اروپا هیچ چیزی در تعارض با دین نیست. او آشکارا تلاش کرد تا روابط بین دین و دولت را بهبود بخشد. با وجود اینکه علمای روشنفکری با خیرالدین همراه بودند اما فرمانرواها و افراد دیگری هم بودند که با افکار روشن‌فکرانه وی مخالف باشند. با اینکه او شکست خورد اما با برنامه‌های اصلاحی تاثیر خود را بر جامعه جدید نشان داد. (برومند اعلم، ۱۳۹۲، ص ۵۱)

### فعالیت‌های اولیه فرانسه در جهت استعمار

پس از سقوط خیرالدین، استعمار دولت فرانسه در تونس آغاز شد و بیش از نیم قرن بر این سرزمین قدرت خود را اعمال کرد. در آن دوران کشور دچار بحران مالی شده بود و به این خاطر دو وام ۲۸ و ۳۵ میلیون فرانکی استقراض کرد؛ با این حال همچنان بحران مالی ادامه یافت. مردم در سال ۱۸۶۴ م. شورش کردند و به این خاطر دولت راه‌ها را مسدود کرد، نرخ مالیات‌ها را به همان نرخ گذشته بازگرداند و شورش‌ها را نیز سرکوب کرد؛ اما باز هم بحران مالی ادامه داشت. از سال ۱۸۶۹ میلادی بود که دولت تونس به دلیل عدم پرداخت وام‌های خود بخشی از اقتدار خود را از دست داد و تجارت دریای تونس نیز به شدت آسیب دید و دولت‌های اروپایی وی را مجبور کردند که در کمیسیون مالی بین‌المللی مرکب از بریتانیا، فرانسه و ایتالیا بپذیرد و تعهد دهد که تمام امور اقتصادی و بازرگانی خود را تحت نظر این کشورها قرار دهد. از سال ۱۸۸۱ م بود که فرانسه موفق شد رقیب خود انگلیس را از میدان به در کند چرا که وی مشغول مصر بود و به این صورت تونس تحت حمایت رسمی فرانسه شد. پس از آن وزیر مختار فرانسه در تونس بود که امور تونس را برعهده گرفته بود. همچنین رقابتی میان فرانسه و ایتالیا بر سر تونس شکل گرفته بود که در نهایت فرانسه موفق شد کنترل را به دست گیرد. رقابتی

**فرانسه از اهمیت اقتصادی، استراتژیک و سیاسی الجزایر به خوبی آگاه بود و تمام تلاش خود را به کار گرفت که این شهر را از دست ندهد. در عوض مردم الجزایر نیز متوجه شده بودند که باید به قدرت خود متکی باشند و به وعده‌های فرانسه دل‌خوش نکنند. پس کنار امیر عبدالقادر مقاومتی ترتیب دادند که ۱۷ سال طول کشید.**

کوتاهی هر دو کشور الجزایر و تونس را تحت سلطه خود درآورد. این سلطه تاحدی وسیع بود که امکان مهاجرت برای افراد را نیز فراهم نمی‌کرد؛ گرچه استدلال فقهای اسلام نیز این بود که این حکومت‌های ناشی از استعمار ذاتاً غیر مشروع هستند و باید با آنها مبارزه کرد. پس مبارزان با اروپاییان ۲ نوع واکنش از خود نشان دادند:

\*واکنش نخبگان سیاسی و روشنفکران نواخته که در سیستم آموزشی حزب تحصیل کرده، تحت تاثیر آن بودند و قصد داشتند با استفاده از مدرنیسم





تونس را به صورت کامل تحت الحمايه خود قرار داد. (برومند اعلم، ۱۳۹۲، ص ۷۴-۷۸)

مقاومت عليه فرانسه در تونس از همان ابتدا به صورت مسلحانه بود. مردم اختلاف‌های خود را کنار گذاشته و باهم تحت رهبری «علی بن خلیفه» متحد شده بودند؛ این قیام از شهر صفاقس آغاز شد. پس از صفاقس شهرهای مهم دیگری نیز همچون تونس و سومه اشغال شدند؛ اما این مقاومت‌های مسلحانه همچنان تا سال ۱۸۸۷ م. ادامه داشت. فرانسه در سال ۱۸۸۲ م. با محمد صادق بای پیمانی موسوم به پیمان قصر السعید امضا کرد که در آن ذکر شده بود فرانسوی‌ها مجاز هستند؛ شغال نظامی خود را بر تونس تحمیل کنند و یک وزیر مختار فرانسوی نیز انتخاب شد تا به عنوان رابطی میان دولت تونس و مقامات فرانسه باشد، اما این تصمیمات باعث شورش‌های بسیاری در شهرهای مختلف شد که در نتیجه آن معاهده «آمرسی» به تصویب رسید و طی آن تونس می‌بایست تمام اصلاحات اداری، مالی و قضایی دولت فرانسه را بپذیرد و در واقع این معاهده به فرانسه اختیار این را می‌داد که سلطه کامل خود بر این منطقه را برقرار کند. هنگامی که مردم متوجه چنین معاهداتی بین امیرشان و فرانسویان شدند، روح انقلابی‌گری آن‌ها تشدید شد و مجاهدان گرد آمده و مسلح شدند؛ انقلاب به سرعت تمام مناطق جنوبی و حتی مناطق ساحلی را فراگرفت تاجایی که فرانسه وارد جنگ شد. (برومند اعلم، ۱۳۹۲، ص ۷۸-۸۰؛ داویدسن، ۱۳۵۹، ص ۳۶-۳۸)

### منابع

- برومند اعلم، عباس (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی جنبش‌های اسلامی الجزایر و تونس. تهران: انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام.
- آزرین، روبیر (۱۳۶۵). تاریخ معاصر الجزایر. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- داویدسن، مانفرد (۱۳۵۹). تاریخ مختصر جنبش‌های رهایی‌بخش در دوران بعد از جنگ جهانی دوم. تهران: دنیا.
- زینی‌وند، تورج، و نادری، روژین (۱۳۹۶). ادبیات تطبیقی در الجزایر؛ از استعمار تا بهار سیاسی. فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، ۵ (۳).
- محسنیان راد، مهدی، و شاکری، محمدعلی (۱۳۹۷). مشکلات فرهنگی و ارتباطی در کشورهای اسلامی استعمارزده. رسانه، ۲۵ (۱).

دولت تونس خیلی سریع‌تر از الجزایر تسلیم شد. فرانسه نفوذ خود را در سه بعد دیپلماتیک، تجاری و آموزشی در تونس آغاز کرد و تجار اروپایی هم مشغول خریداری مواد خام این کشور شدند. محصولات اروپایی به این منطقه صادر شد و در اثر دخالت‌های اروپاییان روغن و زیتون به صورت انبوه در این منطقه تولید شد و این چنین تونس از صنایع دستی و صنعتی خود فاصله گرفت. اروپایی‌ها همچنین خطوط راه آهن، معادن و کشاورزی را در این منطقه تاسیس کرده و بهبود بخشیدند. تضعیف موقعیت طبقه متوسط مسلمانان

### دولت

#### تونس خیلی

**سریع‌تر از الجزایر تسلیم شد. فرانسه نفوذ خود را در ۳ بعد دیپلماتیک، تجاری و آموزشی در تونس آغاز کرد و تجار اروپایی هم مشغول خریداری مواد خام این کشور شدند. محصولات اروپایی به این منطقه صادر شد و در اثر دخالت‌های اروپاییان روغن و زیتون به صورت انبوه در این منطقه تولید شد و این چنین تونس از صنایع دستی و صنعتی خود فاصله گرفت.**

و متمرکز شدن قدرت در دست نخبگان جامعه نیز از دیگر دستاوردهای اروپاییان بود. پس نفوذ سیاسی و اقتصادی خارجی‌ان در تونس و زوال داخلی کشور باعث ورشکستگی کامل تونس شد. در ۱۸۶۷ م. دولت تونس دچار ورشکستگی کامل شد و مجبور شد رضایت دهد کشورهای بریتانیا، فرانسه و ایتالیا مالیات‌های وی را جمع‌آوری کرده و در راه پرداخت امور کشوری صرف کنند. پس از تشکیل کنگره برلین در سال ۱۸۸۱ م. فرانسه

قرآنی محلی بودند. گاهی این‌ها ادعای مهدویت هم می‌کردند یکی از آن‌ها به نام «پوزیان» ادعا می‌کرد، پیامبر به خوابش آمده، او را مهدی خوانده و از وی خواسته علیه استعمارگری فرانسه دست به قیام بزند. چنین شورش‌هایی ادامه داشت تا اینکه به شورش‌های مسلحانه رسیدند. در سال ۱۸۷۱ م. بود که شورش‌های مسلحانه علیه دولت استعمارگر فرانسه آغاز شد و هدف این مردم یک هدف ابتدایی و تشکیل یک دولت اسلامی نبود؛ این عمل آن‌ها بیشتر برای ظلم دولت فرانسه نسبت به آن‌ها بود که حقوق این مردم را ضایع کرده بود. شخصیت‌های دینی همواره کسانی بودند که این قیام‌ها را سازمان‌دهی می‌کردند و با این شعار که «زیر بار اطاعت از کسی جز خدای یگانه نمی‌رویم، که منظور کفار استعمارگر بود. چنان که آزادی جامعه اسلامی از سیطره کفر جز اصول اسلام است.» (برومند اعلم، ۱۳۹۲، ص ۵۸-۵۹؛ آزرین، ۱۳۶۵، ص ۵۹-۶۴)

### مقاومت نخبگان در تونس

موقعیت جغرافیایی تونس در میانه دریای مدیترانه و نزدیکی آن به سیسیل و ایتالیا دارای اهمیت بسیاری است. به صورتی که اهمیت کشتی‌رانی در هر دو بخش شرقی و غربی مدیترانه را برای او فراهم می‌کند. جز این تونس دارای زمین‌های حاصل‌خیز و امکانات اقتصادی فراوان بود که توجه هر دولت خارجی را جلب می‌کرد. اما مورد آخری که به اهمیت تونس اشاره می‌کند، همجواری تونس و الجزایر و مشخص نبودن حدود مرزی این دو کشور است. پس فرانسه با اشغال تونس بعد از الجزایر می‌توانست، حدود مرزی کشورهای مستعمره خود را مشخص کند. تونس در سال ۱۸۱۶ م. مورد حمله کنسول بریتانیا هم قرار گرفت و قدرت‌های اروپایی بر سر این منطقه رقابت بسیاری باهم داشتند.





## تأثیر امپراتوری بیزانس بر سیر حوادث قرن ۱۱ میلادی با تمرکز بر جنگ صلیبی اول

### کیمیا حسینی

دانشجوی کارشناسی تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

### آغاز جنگ اول صلیبی در ۱۰۹۶ میلادی

پاپ اوربان دوم، پانزدهم آگوست اوت ۱۰۹۶ م. را به عنوان روز حرکت جنگجویان برگزید. (بالا، ۱۳۹۲، ص. ۳۶) تأمین تدارکات با سرعت زیادی انجام شد. این جنگ که بعدها ادامه دار و همه گیر می شود، بزرگ ترین رخداد جهان آن موقع را شکل داد. (مادن، ۱۳۸۹، ص. ۳۶) زمانی که پاپ فرمان جنگ را صادر کرد، صلیبیون نمی دانستند که مدت زمان جنگ چقدر بطول می انجامد، به همین دلیل هم نمی دانستند که این جنگ نیاز به سرمایه زیادی دارد. (بالا، ۱۳۹۲، ص. ۴۶) این احتمال وجود دارد که از میان تمام جنگجویان تعداد افراد گادفری از بقیه بیشتر بوده باشد که شامل ۱۰ هزار تن زن، مرد و کودک می شده است. به همین دلیل هم این جنگ به جنگ صلیبی شاهزادگان معروف است. (بالا، ۱۳۹۲، ص. ۴۵-۴۶)

این دو سپاه وارد مجارستان، بلغارستان و یونان شدند. الکسیوس که تصور نمی کرد آن ها به این سرعت از راه برسند، شرایط لازم را فراهم نکرده بود. این امر باعث شورش و غارت سربازان سپاه شد. این در شرایطی بود که گادفری توانایی کنترل سپاهانشان را نداشت. (مادن، ۱۳۸۹، ص. ۳۹) الکسیوس تصمیم داشت برای مدتی رهبران نظامی این جنگ را در قسطنطنیه نگه دارد، زیرا از طرفی احساس ناامنی داشت که مبادا با رفتن آنان، باز شهر توسط مهاجران بعدی غارت شود، اما فرماندهان نمی خواستند تا آمدن سپاه اصلی صبر کنند و قصد داشتند هر چه سریع تر به دشمنان خود حمله کنند؛ چون تصور می کردند تاخیر در جنگ باعث دور شدن آنها از خداوند می شود و این تاخیر به نوعی نشان دهنده ترس

و بزدلی است. (مادن، ۱۳۸۹، ص. ۴۰) البته دلیل دیگر مبنی بر تاخیر جنگ کمبود آذوقه بود. (بالا، ۱۳۹۲، ص. ۶۴) کمبود آذوقه باعث شده بود که سربازان به غارت و دزدی بپردازند که این باعث نگرانی الکسیوس شده بود، به همین دلیل به پتر و والتر اجازه حمله به ترکان را داد. (مادن، ۱۳۸۹، ص. ۴۰)

سرانجام سپاه اصلی در ششم اوت به تنگه بسفر رسید. این در شرایطی بود که هیچ برنامه و نقشه ای برای ورود به آناتولی طراحی نشده بود. این یک ضعف بزرگ برای سپاهیان به شمار می رفت، به طوری که باعث اختلاف میان

اولین هدف در  
آغاز جنگ، فتح پایتخت  
سلطان نشین ترکان، یعنی شهر  
نیقیه بود. کشتی های بیزانس سواحل  
آن را بستند. سلطان قلیچ ارسلان که  
توانسته بود، نیروهای پتر زاهد را نابود  
کند، سپاه دوم صلیبی را جدی نگرفت.  
زمانی که افراد قلیچ ارسلان وارد  
شهر شدند، متوجه محاصره آن توسط  
صلیبیون شدند. در نهایت سربازان  
ترک شکست خورده و قلیچ  
ارسلان، با رها کردن خانواده  
و دارایی اش فرار کرد.

آنان شد و به دو گروه تقسیم شدند. در یک سو آلمانی ها و ایتالیایی ها و از سوی دیگر فرانسوی ها قرار داشتند. فرانسوی ها به نیقیه رفته و با غنایم زیادی باز گشتند، در مقابل آلمانی ها با حمله به ترک ها متحمل شکست سختی شدند، به طوری که خیلی از آنان کشته شدند.

ترکان با طرح توطئه ای مبنی بر پیروزی آلمانی ها، فرانسوی ها را به جنگ فراخواندند و آنان را شکست داده و از بین بردند. در این زمان، پتر زاهد به قسطنطنیه رفت تا در خصوص فنون



جنگی با امپراتور صحبت کند که خبر شکست و نابودی سپاهیان را شنید و مجبور شد تا رسیدن سپاه اصلی در آنجا بماند. (مادن، ۱۳۸۹، ص. ۴۰-۴۱) بنا بر درخواست پاپ، در اوت ۱۰۹۶ م. سپاه اصلی شروع به عزیمت کرد. آن ها تصمیم داشتند به سمت قسطنطنیه رفته و در آن جا به نیروهای بیزانس پیوسته و راهی شرق شوند.

گودفری فرزند یکی از کنت های بویون بود که ثروت قابل توجهی داشت اما زمانی که تصمیم به همراه شدن با صلیبیون را داشت، بخش قابل ملاحظه ای از اموالش را صرف این مسئله کرد. او به همراه سپاهیان در ۲۳ دسامبر ۱۰۹۶ م. به قسطنطنیه رسیدند. (مادن، ۱۳۸۹، ص. ۴۴-۴۵) گودفری اولین کسی نبود که وارد این شهر شد، بلکه همزمان با او هوگ ورماندوئی، برادر پادشاه فرانسه نیز اروپا را ترک کرد (بالا، ۱۳۹۲، ص. ۴۲) و به همراه سپاه کوچکی عازم شد. همچنین الکسیوس از این رسیدن این حجم از نیرو بسیار خوشحال بود. سرانجام هزاران سرباز مسیحی آماده رویارویی با دشمنان بیزانس بودند.

الکسیوس اجازه بازگشت هوگ ورماندوئی را به نزد سپاهیان را نداد و او را در قصر مجلل خود نگه داشت. زیرا می ترسید که هوگ با



## به سوی انطاکیه



آویخت و از کمک غربی‌ها تشکر کرد و هدایای گران بهایی به آنان تقدیم کرد، اما صلیبیون که از این موضوع که امپراتور پیروزی را برای خودش ثبت می‌کند، ناراضی بودند و راه بازگشت از سوگند یاد کرده را نیز نداشتند، تصمیم به غارت گرفتند. سرانجام در تاریخ ۲۶ ژوئن صلیبیون تصمیم به بازگشت گرفتند. آنها به دو گروه تقسیم شدند، دسته اول تحت فرماندهی بوهوموند و تعدادی از لُردها بود و دسته دوم تحت فرمان گودفری و ریموند قرار داشت.

مدتی بعد، قلیچ ارسلان به گروه نخست حمله کرد و گمان کرد تعداد آنها همین مقدار است. بوهوموند توانست یک روز در مقابل آنها ایستادگی کند تا سپاه گودفری به کمکشان آید. لذا در پایان سلطان قلیچ به همراه سربازانش گریخت. (مادن، ۱۳۸۹، ص. ۵۱-۵۳)

سرانجام صلیبیون در ۲۱ اکتبر ۱۰۹۷ م. توانستند به انطاکیه برسند. با وجود ازدحام سپاهیان، شرایط سختی برای صلیبیون وجود داشت. آنها از سرزمین‌های مسیحی‌نشین در اطراف جنوب غربی کلیکیه تقاضای کمک کردند، در مقابل آنها به گرمی از صلیبیون استقبال کردند. انطاکیه یکی از باشکوه‌ترین شهرها در روم بود که به دست ترکان افتاده بود، با این حال اکثر جمعیت آنجا شامل: مسیحیان، ارامنه و یونانیان بود. با این اوصاف صلیبیون انطاکیه را محاصره کردند.

در زمستان سال ۱۰۹۷ م. سرما فشار زیادی را به صلیبیون وارد کرد. در این شرایط به جای تمرکز در خصوص فتح انطاکیه مجبور به حل مسئله آذوقه سپاهیان بودند. سربازان زیادی از شدت گرسنگی مرده بودند، این شرایط تاسف‌باری برای صلیبیون بود. (مادن، ۱۳۸۹، ص. ۵۵-۵۷)

در چنین شرایطی خبر حمله فاطمیان مصر به ترکان در فلسطین، به صلیبیون رسید و آنها توانسته بودند اورشلیم را تصرف کنند. صلیبیون از این خبر بسیار ترسیدند و فهمیدند هدفی که در خصوص سرزمین مقدس داشتند تبدیل به رویا شده است. با این حال پتر زاهد از اردوگاه گریخت

اولین هدف در آغاز جنگ، فتح پایتخت سلطان‌نشین ترکان، یعنی شهر نیقیه بود. کشتی‌های بیزانس سواحل آن را بستند. سلطان قلیچ ارسلان که توانسته بود، نیروهای پتر زاهد را نابود کند، سپاه دوم صلیبی را جدی نگرفت. زمانی که افراد قلیچ ارسلان وارد شهر شدند، متوجه محاصره آن توسط صلیبیون شدند.

## همزمان

## به پیشروی

## صلیبیون در مناطق

## نامبرده، بیزانس برای آنان

## آذوقه می‌فرستاد و در صورت

## لزوم نیز سربازان تازه‌نفس نیز

## اعزام می‌کرد ولی از آنجاییکه وضعیت

## داخلی بیزانس نیز آنچنان تعریفی نبود،

## نمی‌توانست کمک خود را بهتر عرضه

## کند تا جاییکه چند بار آذوقه به‌مراه

## کشتی و خدمه آن بدست مسلمانان افتاد

## و از طرفی وقتی خبر موفقیت نسبی

## صلیبیون به اروپا می‌رسید، موج

## جدید و قوی‌تری از مردم بسمت

## شرق روانه می‌شدند که

## بیشتر آنها در راه جان

## می‌دادند.

در نهایت سربازان ترک شکست خورده و قلیچ ارسلان، با رها کردن خانواده و دارایی‌اش فرار کرد. پس از فتح بخشی از سرزمین سلاجقه روم، امپراتور الکسیوس پرچم بیزانس را بر فراز دیوارهای شهر

توجه به سپاهی که در اختیار دارد، علیه امپراطوری تحرکی انجام دهد زیرا تجربه نشان داده بود که شهر ثروتمند قسطنطنیه مورد توجه افراد گرسنه و پابرنه ی غربی است. هوگ به واسطه فشاری که از بازداشت خود توسط الکسیوس، متحمل شده بود؛ سوگند یاد کرد که هیچ سوء قصدی علیه او و سرزمینش ندارد. (مادن، ۱۳۸۹، ص. ۴۶-۴۷) در مقابل گودفری که از نیت امپراتور بیزانس آگاه شده بود، دعوت را قبول نکرد و در مقابل الکسیوس نیز آذوقه‌رسانی به سپاه او را قطع کرد. گودفری نیز به حومه شهر حمله کرد و آنجا را غارت نمود. او تصمیم داشت الکسیوس را وادار کند تا بازار را به روی آنان باز کند و به مدت سه ماه منتظر ماند. سرانجام زمانی که از جانب امپراتور واکنشی ندید به سربازان خود دستور داد که به قسطنطنیه حمله کنند.

صلیبیون به دیوارهای تئودور، در نزدیکی کاخ بلاچرینه رسیدند اما قدرت و تعداد آنها به گونه‌ای نبود که برای امپراتوری خطر محسوب شوند، در مقابل سربازان امپراتوری هم به آنان حمله کردند. پس از آن گودفری تصمیم گرفت با الکسیوس صلح کند، او در ۲۰ ژانویه سوگند یاد کرد و سپاهش از سفر عبور کرد. در اوایل آوریل ۱۰۹۷ م. زمانی که گودفری با قایق از تنگه سفر عبور کرد، شخص دیگری به نام بوهوموند تارانتویی وارد قسطنطنیه شد. رهبر نورماندی دعوت الکسیوس را قبول کرد و بدون هیچ امتیایی سوگند خورد. بوهوموند تلاش کرد تا مقام فرمانده کل قوای آسیا را بدست آورد اما الکسیوس در نهایت از قبول چنین درخواستی سر باز زد. پس از سوگند، سربازان او نیز از سفر عبور کردند. (مادن، ۱۳۸۹، ص. ۴۷-۵۰)







اما سربازان او را بازگرداندند. در این شرایط بوهومند تلاش می‌کرد تا یکی از فرماندهان شهر را با رشوه به سوی خود آورد و در این اقدام موشکافانه موفق بود. (مادن، ۱۳۸۹، ص. ۵۷-۵۸)

سوم ژانویه ۱۰۹۷ م. بوهومند به همراه سپاهیانش دروازه شهر را برای دیگر افراد باز کردند. ساعاتی بعد صلیبیون توانستند شهر را به طور کامل تصرف کنند، اما زمانی که کربوغا حاکم موصل، به انطاکیه رسید؛ صلیبیون را کاملاً محاصره کرد.

مشکل کمبود آذوقه همچنان برای صلیبیون وجود داشت. زمانی که استفان یلواپی چنین صحنه‌ای را مشاهده کرد، تصمیم گرفت بدون کمک به صلیبیون به وطن باز گردد، زیرا تصور می‌کرد که این بهترین کار ممکن است. استفان می‌دانست که امپراتور الکسیوس در راه انطاکیه است، به همین جهت تصمیم گرفت برای در امان ماندن از ترکان در فیلومیلنوم الکسیوس را ملاقات کند. در نتیجه این ملاقات الکسیوس که متوجه شکست حتمی صلیبیون شده بود، از استفان تشکر کرد، طوری که سوگند خود را نادیده گرفتند. در این میان یکی از افراد اهل بصیرت و دانایی به نام پیتر مدعی شد که قدیسی، مکان نیزه مقدس را که پهلوی عیسی را سوراخ کرده به او نشان داده است. ریموند این موضوع را پذیرفت. آنها با حفر محل مشخص شده توانستند نیزه را بیابانند، این امر باعث شد بار دیگر شوقی در میان سپاه ایجاد شود. (مادن، ۱۳۸۹، ص. ۵۹-۶۲)

سرانجام در ۲۸ ژوئن جنگ آغاز شد و صلیبیون از دروازه شهر بیرون آمدند، در مقابل کربوغا تصمیم داشت با برنامه‌ای حساب شده با آن‌ها وارد نبرد شود، اما قبل از آغاز جنگ پیکی بنا بر ایجاد صلح با صلیبیون به نزد آن‌ها فرستاد، اما

ارتش خود را آماده کرده‌اند. آنها تلاش می‌کردند که اورشلیم را هر چه سریع‌تر تصاحب کنند. در تاریخ ششم ژوئن مردم مسیحی نشین بیت‌الحم، از سپاه صلیبیون استقبال کردند. لذا در نهایت به شهر رسیدند و با مشاهده بزرگی آن، فهمیدند محاصره آن کار راحتی نیست. پس از درگیری میان مسلمانان و صلیبیون، سپاه صلیبیون توانستند در جنگ پیروز شده و اورشلیم را فتح کنند. (مادن، ۱۳۸۹، ص. ۶۶-۶۸) همزمان به پیشروی صلیبیون در مناطق نامبرده، بیزانس برای آنان آذوقه می‌فرستاد و در صورت لزوم نیز سربازان تازه‌نفس نیز اعزام می‌کرد ولی از آنجاییکه وضعیت داخلی بیزانس نیز آنچنان تعریفی نبود، نمی‌توانست کمک خود را بهتر عرضه کند تا جاییکه چند بار آذوقه به‌همراه کشتی و خدمه آن بدست مسلمانان افتاد و از طرفی وقتی خبر موفقیت نسبی صلیبیون به اروپا می‌رسید، موج جدید و قوی‌تری از مردم بسمت شرق روانه می‌شدند که بیشتر آن‌ها در راه جان می‌دادند.

صلیبیون به آن اعتنایی نکردند. درمقابل بسیاری از فرماندهان کربوغا، وقتی متوجه این امر شدند که جنگی خونین در راه است از جنگ کناره‌گیری کرد. بوهومند توانست انطاکیه را تصرف کند. سرانجام پیروزی باشکوهی نصیب صلیبی ها شد که ادعا می‌کردند فرشتگان و قدیسان آن‌ها را در این امر یاری کردند. (مادن، ۱۳۸۹، ص. ۶۲-۶۳)

لذا در اوایل نوامبر سربازان نسبت به درگیری فرماندهان خود اعتراض کردند، اما در پنجم نوامبر این اختلافات کنار گذاشته شد. با این حال تمام شرایط برای عزیمت فراهم بود.

### حضور در بیت المقدس

در ۱۳ ژانویه ۱۰۹۹ م. سپاه به سمت سوریه به حرکت درآمد. در ۱۹ ماه مه، وارد خاک فاطمیون در جنوب بیروت شد. بسیاری از شهرها چون: صیدا، صور، عکا و حیفا حاضر بودند به شرط در امان ماندن، به صلیبیون در تدارکاتشان کمک کنند. اما در سوم ژوئن مطلع شدند که مصریان

### منابع

- صوری، ویلیام (۱۳۹۴). تاریخ آن سوی دریاها. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- لوی بیئل، تیموتی (۱۳۸۵). جنگ‌های صلیبی. تهران: انتشارات ققنوس.
- مادن، توماس (۱۳۸۹). نگاهی نو و فشرده به تاریخ جنگ‌های صلیبی. تهران: نشرعلم.
- بالار، میشل (۱۳۹۲). جنگ‌های صلیبی و شرق لاتینی. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صفوی، رحیم زاده (۱۳۳۴). جنگ‌های صلیبی. تهران: آسیای وسطی.

- Asbridge, Thomas (2004). The First Crusader A New History. Oxford Iniversity Press.





## جایگاه آذر (آتش) در میان ایرانیان باستان



نهمین ماه سال آورده شده. به ترتیب سیر تغییر شکل این کلمه از آئی < آتری > آذر < آتور > اتخش < آترش > است و رفته رفته واژه "ر" از این کلمه حذف شده و به کلمه آتش امروزی بدل شد.

آتش در میان ایرانیان باستان، مانند آب مقدس شمرده می‌شد زیرا اگر آب مایه حیات و سرسبزی بود، آتش هم جانشین خورشید بر زمین و گرمای زندگی تلقی می‌شد. در میان چهار عنصر هستی ساز آب، آتش، خاک و هوا، عنصر آتش صدرنشین قدیسین است. در میان همه اقوام و سرزمین‌های جهان ایرانیان و هندی‌ها دو گروهی بودند که آتش را بسیار تقدیس می‌کردند.

### تقسیم بندی آتش برای هر قشر از مردم جامعه

در ایران باستان مردمان به سه طبقه تقسیم می‌شدند و هر گروه آتش مخصوص به خود را داشتند. طبقه اول: آتوربانان بودند که شامل موبدان، پیشوایان، دانایان و دبیران می‌شدند، آذر فرنبخ به این طبقه از افراد مختص بود که در دوره ساسانیان در زمان ویشناسب به کاریان (لارستان) واقع در فارس انتقال داده شد. محل اصلی و اولیه این آتشکده بر فراز کوه فرهمند بوده. آتش فرنبخ نام‌های مختلفی دارد و در منابع گوناگون با نام‌های متعددی از آن یاد شده از جمله این نام‌ها: فرا / فروبا / فروبغ / خورا / خراد... است. نام اصلی این آتش از دو کلمه «فر» و «بغ» درست شده که نشان‌دهنده فر و نیروی ایزدست.

در کتاب اوستا، آتش را پسر اهورا مزدا و سپندارمذ یا زمین‌دختر پروردگار آسمان معرفی شده است. این کلمات و صفات نوعی تشبیه و تمثیل است و نه به این معنا که خداوند اهورا مزدا دارای فرزندی باشد. عنصر آتش از این جهت که خود پاک است و قدرت پاک‌کنندگی دارد، مورد پرستش است و این احترام به آتش به حدی در میان ایرانیان باستان رواج داشت که به اشتباه در بعضی منابع آنان را آتش‌پرست نامیده‌اند.

ایرانیان باستان به آتشکده‌ها «آدریان» می‌گفتند و در روز مقدس پرستش برای اجرای مراسم آئینی به آدریان می‌رفتند و برای جایگاه

**آتش در میان ایرانیان باستان، مانند آب مقدس شمرده می‌شد زیرا اگر آب مایه حیات و سرسبزی بود، آتش هم جانشین خورشید بر زمین و گرمای زندگی تلقی می‌شد. در میان چهار عنصر هستی ساز آب، آتش، خاک و هوا، عنصر آتش صدرنشین قدیسین است. در میان همه اقوام و سرزمین‌های جهان ایرانیان و هندی‌ها دو گروهی بودند که آتش را بسیار تقدیس می‌کردند.**

این عنصر جشن‌های زیادی برگزار می‌کردند و آتشکده‌هایی برای پرستش این عنصر ساختند که در ادامه به آن می‌پردازیم.

ما درباره زمان دقیق پیدایش آتش جز به گمان و تصور چیزی نمی‌دانیم، از آن جهت که سندی مکتوب برای جشن آذرگان نداریم، ناچاریم به تنها منبع موجود یعنی اوستا تکیه کنیم. عنصر آتش در کتاب گاتاهای زرتشت که یکی از قدیمی‌ترین منابع به زبان فارسی است، به صورت‌های مختلف نوشته شده از جمله: آثر àtar - آثر àtarə - آثر àr برای ماه آذر،

### فاطمه اسدزاد

دانشجوی کارشناسی تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

### مقدمه

در این سرزمین بزرگترین عشق‌ها آتشین‌اند. در این سرزمین دودمان میهن است؛ میهنی که دود آتش آن همیشه بلند است.

دکتر پرویز رجبی

مردمان ایران زمین از گذشته‌های دور با آتش زندگی می‌کردند، آتش عنصری جدایی‌ناپذیر زندگی و مناسک دینی آنها بود. یکدیگر از نام‌های باستانی آتش «آذر» است که نام نهمین ماه تقویم امروزی ما ایرانیان نیز هست. مردمان گذشته برای آتش احترام فوق العاده‌ای قائل بودند و آن را عنصری پاک در نظر می‌گرفتند و برای گرمی‌داشتن آن، جشنی موسوم به جشن آذرگان را اجرا می‌کردند، این جشن برای ستایش و سپاس از آذر است.

ایزد آذر، دستیار امشاسپند اردی بهشت است که وظیفه نگهداری و محافظت آتش در جان مادی و زمینی را بر عهده دارد. در نهمین روز ماه آذر، تقویم ایرانیان روزی مختص به فرشته مقدس آتش است و «آذر روز» نام دارد.

### آذر در سایر زبان‌ها

در زبان سانسکریت شعله با عنوان آدری (adri) به معنای خدای آتش است که در هند آگنی (agni) نامیده می‌شود. در فرهنگ کهن ایران آتش در درون غارها نگهداری و محافظت می‌شد و آن‌ها به این اصل اعتقاد داشتند که آتش یکی از عناصر پاک چهارگانه است که از طبیعت پدید می‌آید. حتی آن‌ها نگهداری آن را برای محافظت از غار و روشن نگهداشتن این شعله استخدام می‌کردند و به آن‌ها مزد پرداخت می‌شد.



باستانی است. بنیانگذار جشن‌های سده هوشنگ است که طبق گفته شاهنامه، روزی هوشنگ در مسیرش ماری سیاه و سمی را دید، سنگی برداشت و به سمت مار پرت کرد اما سنگ با مار برخورد نکرد اما با سنگی برخورد کرد و باعث ایجاد جرقه‌ای شد و شعله‌ای پدیدار شد و آتشی جان گرفت.

«سده» واژه‌ای فارسی است که به معنای صدسال در برابر یک قرن به کار می‌رفت. در جشن سده با شادی و پایکوبی و خواندن آوازهای زیبا و صورتک‌هایی به صورت کارناوال دسته‌هایی را تشکیل می‌دادند و به دور آتش به شادی و سرور می‌پرداختند.

اسنادی برای اثبات تکریم آتش در پرداختن و روی آوردن پی‌درپی هخامنشیان به اهورا مزدا، اردشیر دوم و سوم به آناهیتا و میترا به اینکه اهورامزدا، بزرگترین خدایان است. نمی‌تواند برای یک داوری بی‌برو برگرد، درباره دین هخامنشیان، بس باشد. هخامنشیان آتش را مقدس می‌شمردند. و آن را نیایش می‌کردند از دلایل ما برای بیان این ادعا می‌توان به:

۱. درمیان نقش برجسته‌های تخت جمشید، دو آتشدان متحرک وجود دارد که در مقابل شاه و مردی که آن را جلوی دهان خویش گرفته و در حال ستایش و خواندن دعا برای آتش است
۲. در نقش رستم در قسمت بالایی آرامگاه داریوش، نقش برجسته‌ایست که داریوش در مقابل محرابی در حال ستایش آتش است.
۳. بر روی سکه‌های هخامنشی نقش محراب آتش ضرب شده است.
۴. کتیبه بیستون که از زبان داریوش هخامنشی است دارای شواهدیست که تأییدیست بر قداست آتش.

حال از گفتن و پرداختن به این مطالب هدف این است:

که آتش برای ایرانیان باستان تا چه میزان اهمیت داشته‌است و مقدس بوده. امروزه با اختراع کبریت و فندک و... اهمیت این عنصر ویژه نادیده گرفته می‌شود.

### منابع

- رضی، هاشم (۱۳۸۷). گاهشماری و جشن‌های ایران باستان. تهران: بهجت.
- سیمائی، جلال (۱۳۸۷). جشن‌های آریایی. سیمرو.
- رجعی، پرویز (۱۳۸۷). جشن‌های ایرانی. تهران: آرمیس.

درونش، را به عنوان محراب قرار می‌دادند. عنصر آتش در طی روزگاران طولانی و کهن مورد توجه همه اقوام بوده و هر قوم و سرزمینی به شکل و شیوه‌ای خاص خود آن را ستوده‌اند و آن را عزیز و ارجمند دانسته‌اند. و در میان عناصر آتش عنصری است که عامل بسیاری از پیشرفت‌ها و ترقیات انسان بوده‌است. در میان سایر تمدن‌ها هم آتش مقدس بوده به طور مثال، خداوند با پیامبر خود «موسی» به زبان آتش گفت‌وگو کرد و آتش را بر ابراهیم (ع) گلستان کرد.

### اجاق خانه‌ات خاموش مباد

آتش نزد مردم هند، پروس، لیتوانیا، چینی‌ها، یونانیان و رومی‌ها دارای ارزش بوده و از آن به عنوان وسیله مخابراتی برای مخابره اخبار و استفاده از گرمای آن در زمستان استفاده می‌کردند. به طور معمول در هر خانواده‌ای و خانه‌ای محرابی

**عنصر آتش در  
طی روزگاران طولانی  
و کهن مورد توجه همه اقوام  
بوده و هر قوم و سرزمینی به شکل  
و شیوه‌ای خاص خود آن را ستوده‌اند  
و آن را عزیز و ارجمند دانسته‌اند. و در  
میان عناصر آتش عنصری است که عامل  
بسیاری از پیشرفت‌ها و ترقیات انسان  
بوده‌است. در میان سایر تمدن‌ها هم آتش  
مقدس بوده به طور مثال، خداوند با  
پیامبر خود "موسی" به زبان آتش  
گفت‌وگو کرد و آتش را بر  
ابراهیم (ع) گلستان  
کرد.**

می‌ساختند که در آتشدان آن همیشه شعله‌ای از آتش روشن بود هرگاه این آتش خاموش می‌شد آن را بدشگون و بدیمن می‌دانستند امروزه جمله اجاق خانه‌ات خاموش مباد، برگرفته از این آیین است که امروزه دعا و درخواست فرزند پسر برای خانواده‌ای است. چون در آن زمان، پسر جانشین پدر و بزرگ خانواده و مسئول روشن نگهداشتن شعله محراب بود. اگر او نبود و این شعله خاموش می‌ماند؛ شیرازه خانواده از هم می‌پاشید.

### پیدایش جشن آتش

اما در میان این آیین‌های دینی سه جشن نوروز، سده مهرگان از مهم‌ترین جشن‌های

طبقه دوم: ارتشتاران نامیده می‌شدند که شامل سران، فرماندهان، سپهبدان و بزرگان است. آتش یا آتشکده آذرگشنسب متعلق به این طبقه است، تعداد منابعی که راجع به این آتش نوشته شده، بسیار زیاد و پراکنده است که رسیدن و پرداختن به این منابع خود مقاله‌ای جداگانه را می‌طلبد. این آتشکده، ویژه سران حکومتی و مقامات بالاست که دارای قدرت اند. از ویژگی‌های این آتشکده می‌توان به عظمت بنای آن اشاره کرد، به طوری که این بنا ۴۰۰۰ متر طول و ۳۱۰ متر پهنا دارد به دور این بنا دیواری به عمق ۵ متر و بلندی ۱۵ متر کشیده شده.

در محوطه داخلی و حیاط این آتشکده، دریاچه‌ای بسیار عمیق و بزرگ بود. درون این حیاط دو چشمه قرار داشت که از یکی از این چشمه‌ها آبی می‌جوشید که امروزه هم وجود دارد و باعث زنده نگهداشتن این دریاچه می‌شد و چشمه دیگری از نفت که آتشدان، آتش جاودان را همیشه روشن نگه می‌داشت. در سال ۶۲۴ میلادی، توسط چلیپای مسیح که سردار خسرو پرویز به نام شهروز وارد تیسفون شده بود با انگیزه انتقام این بنا مورد چپاول و غارت قرار گرفت.

طبقه سوم: واستریوشان نام داشتند که شامل دهقانان و برزیگران بودند. آتشکده آذربرزین مهر، مختص این طبقه از مردم بود که محل این آتشکده بر فراز کوه ریوند در نزدیکی نیشابور است. این آتشکده به دستور ویشتاسب (گشتاسب) تاسیس شده و برای طبقه و قشر ضعیف‌تر جامعه بوده. این سه آتشکده اگر به دست ساسانیان هم ساخته نشده‌باشد اما توسط ساسانیان بسط و گسترش یافتند.

هرچه که دقیق‌تر به گذشته خود بنگریم، متوجه پیوستگی زیاد بین فرهنگ ایرانیان باستان و هندی‌ها می‌شویم.

در ریگ‌ودا از تش با عنوان آگنی یاد شده که آن را با سرودها و نواهای زیبایی ستایش می‌کردند. آگنی در ریگ‌ودا داننده آفرینش و خداوند نیرو ثروت است. ایرانیان باستان به هنگام نماز به سوی نور از قبیل خورشید، ماه، چراغ و آتش... نیایش می‌کردند. زیرا نور و روشنایی را نماد خداوند می‌دانستند و در پرستش خداوند حدود و جهتی قائل نبودند. آن‌ها معتقد بودند، هر جا که نور هست خرد، راستی، مهر و خدا آنجاست. پرستش ایرانیان به سوی نور است نه آتش و این تجلی نور کل است که به دل‌ها صفا و معنویت می‌بخشد. نگهداری و پاسداری از آتش یک سنت و آیین آریایی است و قبل از ظهور زرتشت نیز در ایران وجود داشته. شعله آتش را یادآور فروغ رحمانی می‌دانستند، آتشدان‌ها را با آتش روشن



## یلدا، شبی به بلندای تاریخ



کرد، آیینی که در آن ایزد مهر یا میترا مورد پرستش قرار می‌گرفت و با ظهور و گسترش آیین مسیحیت بسیاری از مناسک خود را به آن منتقل کرد و از نابودی آن‌ها جلوگیری نمود. در حال حاضر از نظر برخی مورخان بخش کثیری از آداب و رسوم مسیحیت از آیین میترائیسم اخذ شده‌است. بر اساس برخی منابع، کلیسا به دلیل آنکه از زمان دقیق تولد مسیح آگاه نبود، حدود سیصد سال پس از تولد مسیح و پس از آنکه رومیان مسیحیت را پذیرفتند، روز تولد میترا را به عنوان سالروز تولد مسیح در نظر گرفت و بدین ترتیب کریسمس در واقع روز تولد میترا است که کلیسا آن را به روز تولد مسیح تبدیل کرد و از آن پس هر ساله در روز بیست و یکم دسامبر به جشن پرداخت تا آنکه در قرن چهارم میلادی و در پی اشتباهات محاسباتی، کریسمس به بیست و پنجم دسامبر انتقال یافت.

دلایلی که مورخان برای اثبات این ادعای خود ارائه کرده‌اند عبارت است از:

۱. کلمه نوتل از ریشه کلمه «ناتالیس» انویکتوس» به معنای تولد مهر شکست ناپذیر گرفته شده‌است و از لحاظ معنایی معادل با کلمه یلدا است. مورد بعدی که به آن اشاره می‌کنند، لباس و کلاه بابا نوتل است که تقلیدی از لباس‌های موبدان زرتشتی می‌باشد.

خود علت دیگری نیز داشته‌اند. ایرانیان در آن زمان، روز و روشنایی را نماد نیکی و ایزدان در نظر می‌گرفتند و شب و تاریکی را نشان از بدی و حضور دیوان می‌دانستند، به همین خاطر در شب سی‌اذر که تاریکی بیش از هر موقع از سال، دنیایشان را در برمی‌گرفت، در کنار یکدیگر جمع می‌شدند و آتش می‌افروختند و آن شب را با خوشی و شادی و به دور از سرمای جانسوز و تاریکی شوم، سپری می‌کردند.

احتمالا حضور همیشگی میوه‌هایی چون انار و هندوانه در سفره‌های شب یلدا از دیرباز تاکنون به همین موضوع و اعتقاد باز می‌گردد. زیرا بر

**احتمالا حضور همیشگی میوه‌هایی چون انار و هندوانه در سفره‌های شب یلدا از دیرباز تاکنون به همین موضوع و اعتقاد باز می‌گردد. زیرا بر اساس این باور شب یلدا تولد ایزد میترا محسوب می‌شود به همین خاطر می‌توان انار و هندوانه را نشانی از میترا دانست که سرخی قبل از طلوع و غروب آفتاب نماد او است.**

اساس این باور شب یلدا تولد ایزد میترا محسوب می‌شود به همین خاطر می‌توان انار و هندوانه را نشانی از میترا دانست که سرخی قبل از طلوع و غروب آفتاب نماد او است.

### میلاد مسیح

اما در این میان سوالی که ایجاد می‌شود آن است که یک جشن کهن ایرانی چه رابطه‌ای می‌تواند با تولد عیسی مسیح داشته‌باشد؟ در پاسخ به این سوال به یکی از تاثیرگذارترین دین‌ها یعنی دین و آیین میترائیسم می‌رسیم که از سرزمین‌های شرقی به سرزمین‌های غربی نفوذ

### مهسا فرهادی

دانشجوی کارشناسی تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

هر ساله مردم ایران در آخرین شب پاییزی، با سفره‌های رنگین و در کنار یکدیگر به جشن می‌پردازند. جشنی که قدمتی چندصد ساله دارد و آن شب را، شب یلدا یا شب چله می‌نامند. شبی طولانی و بلندتر از هر شب دیگر از سال، که مصادف با انقلاب زمستانی است و به دنبال خود روزهای بلندتر و شب‌های کوتاه‌تر را می‌آورد. ایرانیان شب یلدا را در کنار یکدیگر و با خوشی می‌گذرانند و در سفره‌های رنگینشان آجیل، شیرینی و میوه‌های چون انار و هندوانه قرار می‌دهند. آنان شب طولانی خود را با شاهنامه خوانی و گرفتن فال حافظ برای دیگر اعضای خانواده یا فامیل سپری می‌کنند.

یلدا یک واژه سریانی، به معنای تولد و میلاد است که از طرفی به سالروز تولد ایزد میترا و از جهتی به میلاد مسیح اشاره دارد.

به صاحب دولتی پیوند اگر نامی همی جویی  
که از یک چاکری عیسی چنان معروف شد یلدا  
(سنایی)

### زادروز ایزد میترا

در واقع جشن شب یلدا جشنی صدها ساله است و ریشه در افکار، عقاید و آیین‌های ایرانیان کهن دارد. این جشن، جشنی دینی در آیین زرتشتی است، ایرانیان در زمان باستان معتقد بودند؛ شبی که در آن پاییز تمام و فصل زمستان آغاز می‌شود، سالگرد تولد ایزد مهر یا میترا است و به همین علت در آن شب به برگزاری جشن می‌پرداختند زیرا میترا ایزد خورشید و ایزد موکل بر پیمان‌ها است و این جشن نیز همزمان با انقلاب زمستانه بود و پس از آن روزها طولانی تر می‌شد. البته آنان برای برگزاری این جشن در افکار



گرنیابد خوی ایشان در نیابو خوی خلق را  
روز روشن در بر دانا شب یلدا شود  
(ناصر خسرو)

نور رایش تیره شب را روز نورانی کند  
دود چشمش روز روشن را شب یلدا کند  
(منوچهری)

کرده خورشید صبح ملک تو  
روز همه دشمنان شب یلدا  
(مسعود سعد سلمان)

تو جان لطیفی و جهان جسم کثیف است  
تو شمع فروزانی و گیتی شب یلدا  
(خاقانی شروانی)

باد آسایش گیتی نرزد بر دل تنگ  
صبح صادق ندمد تا شب یلدا نرود  
(سعدی)

روز رویش چو برانداخت نقاب از سر زلف  
گویی از روز قیامت شب یلدا برخاست  
(سعدی)

### منابع

- سفیدگر شهانقی، حمید (۱۳۸۷). جشن شب یلدا در ایران. تهران: طرح آینده.
- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۹). جشنها و آداب و معتقدات زمستان. تهران: امیرکبیر.
- رضی، هاشم (۱۳۸۳). جشنهای آتش و مهرگان. تهران: بهجت.
- بهرامی، عسکر (۱۳۸۳). جشنهای ایرانیان. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.

خانواده برسانند، در غیر این صورت تمام سال را از خانواده دور خواهد بود و همچنین افرادی که با یکدیگر قهر هستند، با یکدیگر آشتی می‌کنند تا که زمستان روی خوش خود را به آنان نشان دهد. مردم الشتر در لرستان، برای آن که سالی پر درآمد داشته باشند، سر گاو یا گوسفندی را می‌برند. در گلپایگان نو عروس و داماد، در کنار هم می‌نشینند تا که عمری طولانی‌تر همچون شب یلدا داشته باشند.

**کلمه نوئل از ریشه  
کلمه «ناتاليس انویکتوس» به  
معنای تولد مهر شکست ناپذیر گرفته  
شده است و از لحاظ معنایی معادل با کلمه  
یلدا است. مورد بعدی که به آن اشاره  
می‌کنند، لباس و کلاه بابا نوئل است  
که تقلیدی از لباس‌های موبدان  
زرتشتی می‌باشد.**

مردم چقیورت از روستاهای فریدون شهر بر این عقیده‌اند که اگر صد من آرد و هیزم در فصل خرمن تهیه کنند، چله هم به خودشان و هم فرزندانیشان آزاری نمی‌رساند. ((خرمن و برمن، آردت را بکن صد من، هیزمت بذار بر من، اگر بچه کوچک مرد عهده‌اش با من)).

• کازرونی‌ها معتقدند که اگر در هنگام خوردن لالک خندان و پرحرف باشند، سال بعدی در آن خانه عروسی خواهد بود.

### یلدا در ادبیات فارسی

قتدیل فروزی به شب قدر به مسجد  
مسجد شده چون روز و دلت چون شب یلدا  
(ناصر خسرو)

۲. سپس به درخت کریسمس و ستاره‌ای که بر سر آن قرار دارد اشاره می‌کنند زیرا ایرانیان در زمان‌های دور، در این شب خود را آراسته و لباس‌های تازه به تن می‌کردند و به روی تپه‌ای می‌رفتند. در آنجا از آسمان درخواست می‌کردند که مهر را به عنوان رهبر، برایشان بفرستد؛ آنان پدیدار شدن ستاره‌ای بر روی درخت زیبایی که بر روی کوه فیروز قرار داشت را نشانه تولد میترا می‌دانستند. بدین ترتیب برخی از مورخان معتقدند که درخت کریسمس و تزئین ستاره آن نیز ریشه در آیین‌های ایرانی و میتراپی دارد.

ایزد دادار، مهر و کین تو گویی  
از شب قدر آفرید و از شب یلدا  
زان که به مهرت بود تقرب مومن  
زان که به کینت بود تفاخر ترسا  
(معزی)

### اعتقادات مردم در نواحی مختلف

ساکنین دستجرد قم بر این باورند، فردی که بیشترین زمان شب یلدا را بیدار بماند، سالی پربرکت خواهد داشت. مردمی که در روستای سیبک فریدون شهر هستند، معتقدند که اگر در شب یلدا گردو نشکنند و گوشت نپزند، زمستانی زودگذر و آسان خواهند داشت.

در آذربایجان، مردم برای داشتن سالی پربرکت بر بام خانه‌های خود گندم برشته می‌ریزند. آنان براین باورند که اگر در این شب هندوانه بخورند، از گرمای تابستان در امان خواهند ماند، همچنین آنان از به سفر رفتن در شب یلدا خودداری می‌کنند، زیرا از نظر آنان هر که در این شب به سفر برود تا سال بعد در سفر خواهد بود.

ساکنان یکی از روستاهای تکاب به نام چراغ تپه، براین باورند که اگر کسی از افراد خانواده در سفر باشد تا قبل از یلدا باید خود را به خانه و



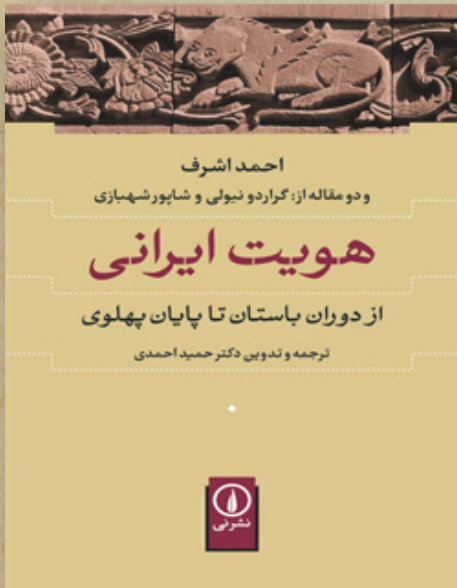


## فراز و فرود هویت ایرانی در گذر تاریخ

نگاهی به کتاب هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی

### خشایار رضوی

دانشجوی کارشناسی تاریخ دانشگاه شهید بهشتی



احساساتی ملت‌پرستانه یا ناسیونالیسم رومانتیک بود. این روایت، که از منظر رومانتیک به منشاء پیدایش ملل می‌نگرد، از اواخر قرن هجدهم میلادی در اروپا و آمریکا سربرآورد و به نیروی محرک جنبش‌های ناسیونالیستی و وحدت ملی در اروپا و آمریکای قرن نوزدهم و کشورهای آسیایی و آفریقایی قرن بیستم میلادی تبدیل شد. از پیشگامان این جریان در ایران می‌توان به فتحعلی آخوندزاده، جلال‌الدین میرزا (پسر فتحعلی شاه) و میرزا آقاخان کرمانی اشاره کرد. آثار آنان مشحون است از احساس دلتنگی برای میهن باستانی، بزرگداشت اساطیر ایرانی، دین زردشت و تکریم زردشتیان، برتری ملیت بر دین، وطن پرستی در معنای فداکاری و شهادت برای حفظ وحدت ملی و تمامیت ارضی سرزمین پدری و بیزاری از تازیان، مغولان و ترکان که در این دیدگاه

احمد اشرف را می‌توان بعنوان یکی از مهم‌ترین محققان و نظریه‌پردازان هویت ایرانی دانست؛ جامعه‌شناسی که در طول حیات خود با انتشار مقالات متعدد، به نقد تاریخی و هویتی ایران و ایرانیان پرداخته است. دکتر اشرف به‌عنوان یک جامعه‌شناس مهم در دانشگاه‌هایی چون پنسیلوانیا، کلمبیا، پرینستون و تهران به تدریس پرداخته است. این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۹۵ با ترجمه حمید احمدی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، توسط نشر نی به چاپ رسید.

هویت ملی ایرانیان به عنوان ماحصل خودآگاهی نسبت به انباشتی تاریخی از تجربه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی سرزمینی بنام ایران، مانند سایر کشورهای جهان، پدیده‌ای مدرن است که به تدریج بعد از ارتباط ایران با غرب به ویژه بعد از شکست‌های متعدد از روس‌ها و اعزام نخبگان ایرانی و پیدایی مشکله هویت در نزد این افراد، در ایران پدیدار گردید. فرض کتاب بر اینست که علی‌رغم کهن بودن تمدن ایران و حس وطن‌دوستی که در مقیاس‌های مختلف در طول تاریخ در برخی از ایرانیان وجود داشته است اما هویت ملی مانند کشورهای دیگر پدیده‌ای مدرن محسوب می‌شود و در ایران، تاریخ آن به دوران مشروطه برمی‌گردد و آنچه بیش از آن در ایران وجود داشته است، هویت اجتماعی-فرهنگی بوده است.

### هابسیام

می‌گوید که ایران تنها کشور اسلامی است که از اسلام برای ایجاد نوعی "شبه ناسیونالیسم اولیه" سود جسته است.

ملی و ناسیونالیست را پدید نمی‌آورد بلکه دولت-ملت‌ها دارای آرمان‌های ناسیونالیستی است که موجب پیدایش ملت‌ها در عصر جدید شده است. حتی زبان ملی، یعنی زبان قابل فهم سراسری، که برای پیدایش ملت ضرورت دارد، در غالب کشورها به واسطه رسانه‌های گروهی، روزنامه، کتاب، رادیو و تلویزیون و گسترش آموزش پدید آمده است. بنابراین پیدایش ملت در واقع نه تنها محصول نوسازی جامعه از بالاست بلکه فرایند دوسویه‌ای است که مردم نیز باید آن را بپذیرند. براساس این دیدگاه، ملت‌ها برساخته مدرنی هستند که ابداع شده‌اند. به گمان آن‌ها ملت‌ها برساخته‌های مصنوعی یا اختراعی هستند که به گونه‌ای سنجیده از سوی طبقات حاکم طراحی شده‌اند.

افزون بر این، هابسیام معتقد است: «هنگامی که مذهب همچون مورد یهودیان صهیونیست، به صورت هویت قومی-مذهبی درآیند، غالباً عامل عمده جنبش‌های ملی و استقلال طلبانه می‌شود.» آنگاه درباره ایران می‌گوید: «هویت قومی-مذهبی هم در دوران پیش از اسلام، هم در دوران اسلامی عامل مهمی برای پیدایش نوعی شبه ناسیونالیسم

انتقاد اساسی و معقول روایت مدرن به میهن پرستی رومانتیک آن است که این روایت مفهوم ملت را که بیش از دو قرن از پیدایش آن نمی‌گذرد، به دوران پیش از تاریخ معاصر نسبت می‌دهد؛ چنانکه گویی ملت در معنای امروز آن در دوران باستان هم وجود داشته است. پست‌مدرن‌ها معتقدند: «ملت‌ها، دولت‌های



[سرزمین‌ها و مردم ایرانی]، ایریو شیانم [سرزمینی که ایرانیان در آن سکونت دارند] آمده‌است. بنابراین هیچ شک و تردیدی درباره ارزش قومی ایران کهن یا آریا نمی‌تواند، وجود داشته‌باشد. پادشاهان ساسانی نیز بر مبنای ایدئولوژی دولت جدید واژه "ایران" را در نامگذاری بسیاری از مکان‌ها و شهرها (خواه شهرهای تازه تاسیس شده یا تغییر نام‌یافته) به کار بردند. ایران شهر شاپور، ایران آسان کردکود، ایران شادکود و ... به کار بردن واژه ایران از قرن سوم میلادی به بعد، نشان‌دهنده داشتن حس هویت ملی در بین ایرانیان دانست. به نظر می‌رسد در ایران ساسانی، شاهد شکل‌گیری یک فرهنگ ملی کاملاً آگاه به "ایرانی" بودن آغاز شده که اعاده و تجدید حیات خرد "دانیان کهن" و نیز ستایش یک گذشته قهرمانی باشکوه آغشته به رنگ و بو و روحیه کهن و باستانی به آن انگیزه می‌داد.

### فصل سوم

هدف شاهپور شهبازی در این پژوهش طرح این استدلال است که ایده ایران همچون یک کیان ملی یعنی کشوری با هویت زبانی، سیاسی و قومی در دوره اوستایی شکل گرفت و به طور غیررسمی به وجود خود ادامه داد تا ارشیر بابکان، برای تقویت اراده خود بر تاج و تخت باستانی ایران، به آن رسمیت بخشید.

در دوره پارتی نیز مدارکی هست که نشان می‌دهد که پارت‌ها نام ایران‌شهر را برای کشور اصلی خود و محیط اطرافش به کار می‌برده‌اند، چون استان نیشابور هم که پایتخت آن ابرشهر بود، گاه ایران‌شهر خوانده شده‌است. اشکانیان (پارتیان) نیز همانند هخامنشیان پیش از خود، نمی‌توانستند به طور رسمی دولت خود را "امپراتوری ایرانیان" عنوان کنند. با وجود این، واژه ایران‌شهر در سنت شفاهی به منزله‌ی تحول تاریخی منطقی واژه پیشین هخامنشی آریانام خشمم تداوم یافت.

که چون مفهوم هویت ملی ایرانی در عصر جدید پدید آمده، پس مفهوم هویت ایرانی نیز امری تازه و تقلیدی از غرب یا از شگردهای استعمار است، این نیز سخنی نادرست و خلاف واقع است.

### فصل دوم

این فصل به قلم گرادو نیولی به شکل‌گیری ایده ایران و هویت ایرانی در ایران باستان پرداخته‌است. وی معتقد است: «حضور ایده ایران را باید در قرن شش پیش از میلاد جستجو کرد. کتیبه‌های داریوش اول و خشایارشا به روشنی می‌گوید که ایرانیان به آریا یا ملت ایرانی تعلق دارند، آگاهی داشتند. داریوش و خشایارشا از تعلق به دودمانی که آن را ایرانی می‌خوانند به خود می‌بالند؛ آن‌ها خود را ایرانی و از دودمان ایرانی یعنی آریا و آریاچیه اعلام می‌کنند.

همچنین از کتیبه داریوش در بیستون می‌دانیم که اهورا مزدا در بخش‌های نسخه ایلامی که معادل کتیبه بیستون، ستون چهارم، بندهای ۶۰-۶۲ در نسخه فارسی باستان است، "خدای

#### مفهوم تاریخی

**هویت ایرانی، که در دوران ساسانیان بازسازی شده بود، در دوران اسلامی با تشبیب و فرازهایی تحول پیدا کرده است. سپس در عصر صفوی تولدی دیگر یافت، و در عصر جدید به صورت هویت ملی ایرانی ساخته و پرداخته شده است.**

ایرانیان "محسوب می‌شود که زبانش "زبان ایرانی" یا آریا است. گذشته از این، اوستا، کتاب زردشتیان، آشکارا از آریا همچون یک نام قومی استفاده می‌کند و در آن تعبیری چون ایریا دینگهو



اولیه در ایران بوده است " هویت ایرانی - زردشتی" در دوران پیش از اسلام و هویت "ایرانی - شیعی" در دوران اسلامی. به نظر وی ایران تنها کشور اسلامی است که از اسلام برای ایجاد نوعی "شبه ناسیونالیسم اولیه" سود جسته‌است. بندکیت اندرسن نیز مانند هابسبام، وجود نوعی اجتماع شبه‌ملی اولیه را پیش از عصر جدید نفی نمی‌کند؛ منتها به جای اجتماعات قومی-دینی در نظریه هابسبام، بر زبان رایج در دستگاه دیوانی حکومت‌های سنتی که پیش از عصر جدید وجود داشته‌اند همچون عامل موثری در پیدایش نوعی هویت ابتدایی شبه ملی تاکید می‌کند. می‌توان گفت که به نظر اندرسون در ایران، پیش از پیدایش هویت ملی در عصر جدید، نوعی هویت شبه ملی اولیه وجود داشته که در دو قرن اخیر به هویت ملی در معنای امروز آن تحول پیدا کرده‌است.

#### روایت تاریخی نگر

روایت تاریخی‌نگر، ضمن پرهیز از افراط و تفریط این دو روایت، راه‌حل میانه‌ای برای بررسی و تحلیل "هویت ایرانی" برگزیده است. این روایت، در عین حال که "هویت ملی" را معقوله‌ای متعلق به عصر جدید می‌داند، هویت فرهنگی ایرانی را مقوله‌ای تاریخی می‌داند که دوران پیش از اسلام تا به امروز به صور گوناگون بازسازی شده‌است. به این ترتیب، مفهوم تاریخی هویت ایرانی که در دوران ساسانیان بازسازی شده بود، در دوران اسلامی با تشبیب و فرازهایی تحول پیدا کرده‌است. سپس در عصر صفوی تولدی دیگر یافت، و در عصر جدید به صورت هویت ملی ایرانی ساخته و پرداخته شده‌است.

پس این سخن که هویت ملی امروزی ایرانی، سابقه‌ای مثلاً سه هزارساله یا دو هزارپانصدساله دارد؛ سخنی گزاف است. در مقابل اگر گفته شود





### همخوانی اسطوره‌های ایرانی و اسلامی

همچنین در این دوران شاهد تلفیق اسطوره‌های ایرانی و ابراهیمی، که برای توجیه اسلامی اسطوره‌های ایرانی بود به این شکل که فکر آمیختن اساطیر دوگانه با برقراری روابط شجره‌ای و خونی میان پادشاهان اساطیری ایران و پیامبران کتاب مقدس و حتی یکی دانستن آن‌ها به صورتی که در آثار طبری و بلعمی و گردیزی آمده است، به مشروع جلوه دادن ریشه‌های هویت تاریخی ایرانی در جامعه اسلامی انجامید.

### فصل پنجم: هویت ایرانی در دوره فرمانروایی ترکان

وزیران و دبیران ایرانی ضبوطربط بسیاری از ارگان‌های اداری دولت را در دست داشتند و با بهره‌گیری از این موقعیت و نفوذ، میراث تاریخی و فرهنگی ایرانی خود را بازتولید می‌کند. حاکمان ترک برای نزدیک کردن خود به ایرانیان درصد در دست کردن شجره نامه‌های دروغین و انتصاب نسب خود به ساسانیان بودند.

### هویت ایرانی در دوره گذار به دوره غزنوی

براساس تبارنامه‌ای که جوزجانی به آن اشاره کرده است، سبکتکین از شش نسل پدری، به دختر یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی می‌رسد. این تبارسازی، به تلاش‌های ایرانیان برای نسبت دادن به چهارمین امام شیعیان به نوه دختر یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی شباهت دارد. تحول دیگری که در این دوره سبب رونق زبان فارسی شد، نوشتن تمام اسناد و مدارک اسفراینی، وزیر سلطان محمود، به زبان فارسی و فتح هندوستان به دست سلطان محمود بود که سبب نفوذ زبان فارسی در این شبه جزیره شد.

### هویت ایرانی در دوره سلجوقیان

در این دوران شاهد رشد جهان‌وطن‌گرایی اسلامی و کم‌رنگ شدن توجه به ایران گردید. در این دوران، حماسه‌سرایی که از دوران سامانی تا اوایل عهد غزنوی رونق گرفته بود از رونق افتاد و نوشته‌های تاریخی و مذهبی جای آن را گرفت. با این همه، در دوره سلجوقی بود که زبان فارسی نه تنها خود را به منزله زبان ادبی تثبیت کرد، بلکه در برخی از انواع ادبی از جمله در شعر عرفانی حتی از عربی هم پیشه گرفت. افزون بر این، در همین دوره بود که زبان فارسی به منزله نخستین

می‌شود، با خلق آثار ارزنده فراوان مهم‌ترین عنصر تداوم هویت ایرانی می‌گردد. بدین ترتیب ایرانی‌ها توانستند برخلاف سوری‌ها و مصری‌ها، در برابر هژمونی زبان عربی مقاومت کرده و هویت مشخص زبانی و فرهنگی خود را حفظ کنند.

### هویت ایرانی در ابتدای دوره اسلامی

در این دوره، شاهد جنبش‌های مقاومت ملی فراوانی بر علیه اعراب هستیم. همچنین ایرانیان در قیام‌های خوارج و شیعیان که مخالفان حکومت بنی‌امیه بودند شرکت داشتند. با سقوط امویان و روی کار آمدن عباسیان سلسله‌های محلی ایرانی (طاهریان، صفاریان، سامانیان، زبیریان، کاکوییان و آل بویه تشکیل می‌شود) افزون بر این، انتقال مرکز امپراتوری اسلامی از سوریه به عراق، یعنی

کتابخانه‌های داریوش  
اول و خشایارشا به روشنی می  
گوید که ایرانیان به آریا یا ملت ایرانی  
آگاهی داشتند. آن‌ها خود را ایرانی و  
از دودمان ایرانی یعنی آریا و آریا  
چپه اعلام می‌کنند.

استان مرکزی امپراتوری ساسانی، که از میراث غنی فرهنگ ایرانی و فرهنگ ایرانی شده آرامی برخوردار بود، در تجدید حیات هویت ایرانی تأثیر بسیار داشت. خانواده‌های دیوان‌سالار و با نفوذی همچون جیهانی‌ها، بلعمی‌ها و عتبی‌ها کنترل دیوان سالاری عباسی را در دست گرفتند.

### ادبیات فارسی و تجدید هویت ایرانی (ق ۳ تا ۵ هجری)

طولی نکشید که ادبیات جدید دری، زبان محلی مناطق شرقی، از سطح ادبیات شفاهی و شعر عامیانه ساده مردمی به زبان رسمی و مکتوب دربار و دیوان تبدیل شد و اشعاری روشمند و پیچیده پدید آورد. ایران برای نخستین بار در تاریخ طولانی خود، زبان ادبی مکتوب و منسجمی پیدا کرد که به یک ابزار ارتباطی پراهمیت تبدیل شد و به طور گسترده‌ای پذیرفته شد. در دوره بین پیدایش شعر فارسی در قرن سوم و تدوین شاهنامه فردوسی در آخر قرن چهارم هجری، آغاز شکوفایی کاربرد واژه "ایران" در نثر و شعر در حال پیدایش فارسی بود.

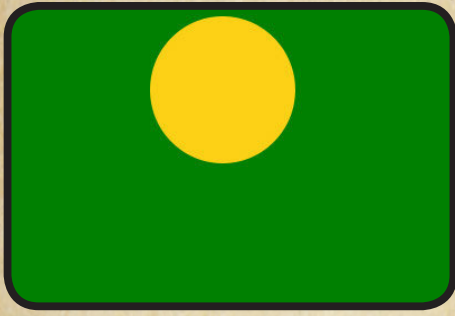
اما در زمان ارشیر بابکان بود که سرانجام واژه آریا تعبیر سیاسی پیدا کرد و نامی رسمی شد برای آنچه همزمان امپراتوری ایرانیان و قلمرو زرتشتی‌ها بود. به عبارت دیگر، اردشیر ایده یک امپراتوری ایرانی و ایران‌شهر را به وجود آورد تا اساس ادعای خود را، مبنی بر این که آنچه را زمانی یک دولت ملی مزدیسنايي بوده دوباره اعتبار ببخشد. این نیرو آریایی، اهریمن و فرستادگانش را از میان برمی‌داشت، از آریایی‌ها محافظت می‌کرد و ثروت، خرد و رفاه فراوان برایشان به ارمان می‌آورد. سکه‌های اردشیر بابکان نشان می‌دهند که او نقش احیا گر امپراتوری کهن ایران (امپراتوری داریوش و مهرداد دوم) را به عهده گرفته بود، چون آتش شاهی (ستنی هخامنشی که به هنگام به قدرت رسیدن رسیدن شاهان بزرگ برپا می‌شد) را برافروخته بود.

سقوط ایران‌شهر ساسانی در سال ۶۵۰ پیش از میلاد به ایده ملی ایرانیان پایان نداد. نام "ایران" از اسناد رسمی صفاریان، سامانیان، آل بویه، سلجوقیان و جانشینان آن‌ها ناپدید شد، اما نام ایران، ایران‌شهر و عنوان‌های مشابه ملی، به ویژه ممالک ایران یا "سرزمین‌های ایرانی" که دقیقاً برگردان واژه کهن اوستایی ایریانه‌م دهیونام بو، همچنان به طور غیررسمی به کار گرفته می‌شد. از سوی دیگر، هنگامی که صفویان (و نه رضاشاه، چنان که عموم می‌انگارند) دولتی ملی را که رسماً به نام ایران شناخته می‌شد، دوباره زنده کردند.

### فصل چهارم: هویت تاریخی و فرهنگی ایران در دوره اسلامی

حمله اعراب به ایران، فروپاشی ساسانیان و برآمدن اسلام پایه‌های همبستگی سیاسی و دینی هویت ایرانی را سست می‌کند و یکپارچگی آن را برهم می‌زند. کشور ایران تا چند قرن، یعنی تا عهد ایلخانان و به خصوص زمان برآمدن صفویه از وحدت سیاسی محروم می‌ماند. اما حمله اعراب به ایران فوایدی نیز داشت از جمله: برهم زدن جامعه بسته و طبقاتی، خارج شدن زبان و اندیشه از دست طبقه حاکم، شکوفا شدن استعداد ایرانیان، شکوفایی زبان فارسی دری. انقلاب عباسیان و ایرانی شدن خلافت اسلامی همراه با رشد شهرها و رونق تجارت و توسعه بازارها سبب برآمدن اهل قلم و صاحبان فکر و اندیشه و برخورد عقاید و آراء و تساهل فکری و شکوفایی علم، هنر، ادب، فلسفه و تاریخ نگاری در قرون سوم تا زنجم هجری می‌شود. همچنین زبان فارسی دری، که زبان علمی و دیوانی





واسطه‌ای نقالان و مدایح‌خوانان محبوبیت عام یافت.

اعتقاد کهن ایرانیان به این که سلطنت موهبتی الهی است و پادشاه سایه خداست (ظل الله فی الارض) و حامل فره‌ایزدی، پس از گرویدن ایرانیان به اسلام نیز در باورهای عمومی همچنان تداوم یافت و در آثار ادبی، تاریخی، عرفانی، و فلسفی نیز بدان اشاره شد. اوستا به دو گونه "فره" اشاره دارد: یکی "فره ایرانی" که ایرانیان را از خرد و ثروت و دولت و نیروی درهم‌شکننده دشمنان ایران برخوردار می‌کند و دیگر "فره کیانی" که سبب نیروی پادشاهی است که "هورمزد" آن را تا دامنه رستاخیز برای ایرانیان نگاه دارد و سوشیانت (موعود زرتشتی) از فره‌ایزدی برخوردار شود و از کنار دریاچه هامون برخیزد و دو گیتی را پر از راستی، عدل و داد کند.

## فصل هفتم: هویت ایرانی در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی

اندیشه‌های جدید غربی (که از قرن هجدهم میلادی در غرب گسترش یافته‌بودند) با انطباق و بازسازی مفهوم از پیش موجود هویت ایرانی که در طول قرن‌ها تکامل یافته‌بود، اهمیت تازه‌ای کسب کردند. ایران جزء چند ملتی است که عنصر ناسیونالیسم را در قبل از دوران مدرن داشته‌است. در این دوران احساس وطن پرستی از احساسات مذهبی جدا شد و وفاداری به ملت به یک ارزش سیاسی مدرن تبدیل شد. بازسازی و نشر و گسترش اندیشه‌های مدرن ملت و ناسیونالیسم در این دوره بیشتر از سوی نخبگانی صورت گرفت که تماس‌های سیاسی، تجاری و فرهنگی با غرب داشتند. اوج این روایت در انقلاب مشروطه و در ادامه در دوران پهلوی دیده‌می‌شود.

فرهنگ وازگان در حال ظهور ملی ایران، واژه ملت [Nation] در کاربرد مدرن آن که از کلمه لاتین ناسیون (گروهی که در اثر ولادت یا محل سکونت با هم رابطه دارند) گرفته‌شده‌است. تا آن زمان در ایران واژه ملت به هر نوع اجتماع دینی و مذهبی و به ویژه بیشتر به پیروان ادیانی

نمی‌کنند. برخلاف تصور برخی روشنفکران ما که سهمی برای ادیان در پیدایش هویت قومی و ملی قائل نیستند، حتی در غالب کشورهای اروپایی نیز کلیساهای محلی سهم بزرگی در ابداع هویت ملی داشته‌اند و نقش عمده‌ای را در حفظ احساسات ملی به هنگام بحران‌های سیاسی و اجتماعی بازی کرده‌اند. (کاتولیک‌های ایرلندی در برابر انگلیسی‌های پروتستان) به اعتقاد اریک هابسبام، گرچه به نظر می‌رسد که دین در جذب وفاداری مردم، رقیب ناسیونالیسم باشد اما در واقع دین برای ناسیونالیسم چه در دوران پیشامدرن و چه در دوران مدرن، همچون عاملی واسط و هموار کننده راه عمل کرده‌است.

در دوران صفویه کوشش‌هایی به عمل آمد تا پایه‌های آگاهی تاریخی و فرهنگی ایران از جهت با تعالیم مذهب شیعی توجیه شود. یکی مطلوب شناختن جشن‌های نوروزی در احادیث شیعی، دوم،

در دوره پارتی  
مدارکی هست که نشان می‌دهد  
که پارت ها نام ایرانشهر را برای  
کشور اصلی خود و محیط اطرافش به  
کار می‌برده‌اند، چون استان نیشابور  
هم که پایتخت آن ایرشهر بود، گاه  
ایرانشهر خوانده شد است.

رواج این افسانه با واقعیت بود که نسبت مادری علی‌بن‌حسین بن ابیطالب به یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی، می‌رسد. سوم، رواج احادیث "حب الوطن من الایمان" بود، که منسوب به پیامبر است، و تعمیم دادن آن از زادگاه مشخص (یعنی شهر یا ده) به کشور ایران. همچنین احادیث منسوب به امامان شیعه در منقبت نوروز، برگزاری باشکوه آن را مورد حمایت مذهب رسمی امپراتوری صفوی قرار می‌داد. پیشتر ایرانیان از برآمدن اسلام تا عصر حاضر نه تنها برگزاری جشن‌های نوروزی را ادامه داده‌اند، بلکه همچنان آن را عنوان بزرگ‌ترین جشن سالانه تداوم بخشیده‌اند.

### بی بی شهربانو

بر میناء این اسطوره، شهربانو همسر حسین بن علی بن ابیطالب مادر سجاد، امام چهارم شیعیان، است. به مرور زمان این اسطوره، که باب طبع اهل قلم و شهرة علمای ایران بود، هم در میان تاریخنگاران و هم در میان علماء بیتی پیدا کرد و به سرعت گسترده شد و در عهد صفوی به

زبان سراسری، همچون ابزاری فرامنطقه‌ای، با ارتباطات دیوانی و ادبی در تمدن اسلامی شروع به گسترش کرد. زبان فارسی به مرور زبان "هژمونی فرهنگی" خود را در امپراتوری عثمانی، آسیای میانه و امپراتوری مغولان هند و جنوب شرق آسیا برقرار ساخت.

## هویت ایرانی در دوره ایلخانان و تیموریان

با حمله مغولان به ایران و جهان اسلام از میان رفتن خلافت عباسی در سایه تساهل مذهبی مغولان تشیع گسترش یافت. ایلخانان که وزارت خود را تمام و کمال به وزرا و اهل قلم ایرانی سپرده بودند و به مرور زمان جذب فرهنگ ایرانی شدند، هویت ایرانی یافتند و به گسترش تاریخ‌نگاری و هنرهای زیبا و معماری ایران مدد رساندند. مهم‌ترین تحولی که در بازسازی پهنه جغرافیای تاریخی ایران در دوران ایلخانان پدید آمد، بنیاد نهادن آگاهی از ایران زمین به منزله یک مجموعه کامل جغرافیایی بود که شامل ایالت‌ها و ولایت‌های گوناگونی می‌شد که در فلات ایران و اطراف آن گسترده بودند.

## فصل ششم: دوران صفوی؛ عنصر دین و وطن

اوزون حسن آق‌قویونلو، که پس از چنگیزخان و تیمور لنگ کباده جهانگشایی می‌کشید، ولایات پراکنده ایران زمین را دوباره گرد هم می‌آورد و پایه‌های امپراتوری بزرگی را بنیان گذارد که راه را برای تاسیس امپراتوری صفوی توسط شاه اسماعیل هموار کرد. شاه اسماعیل در مقام "مرشد کامل" صوفیان قزلباش و شاهنشاه ایران، تشیع را به منزله مذهب رسمی امپراتوری خود برگزید و آن را در سراسر ایران رواج داد. برای نخستین بار (پس از افول ساسانیان) میناء دینی هم برای دولت پدید آمد و پایه‌های پنجگانه تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و دینی که در زمان ساسانیان تدوین و ثبت شده‌بود برای آن فراهم آورد. مجموع این عوامل سبب شد تا "تلقی قدما از وطن" که تا این دوران یا به زادگاه مشخص انسان در یک شهر یا یک ده یک ایالت اطلاق می‌شد یا به "جهان اسلام" یا به دنیای ملکوتی دلالت داشت، به پدیده‌ای به نام "کشور ایران" اطلاق شود.

## دین و هویت قومی و ملی

ادیان جهانی، به طور کلی و در بسیاری از موارد احساسات و عواطف قومی را تشویق



مشروطه که می‌گفت: «سلطه و دیعه‌ای است که به موهبت الهی از طرف ملت به شخص پادشاه مفروض شده است.» ماده ۳۵، سازگاری نداشت. تاریخ و زبان دو پایگاه مهم شکل‌گیری "ناسیونالیسم دولتی" مدرن در دوران پهلوی بودند. سیاست زبانی دولت بر آن بود تا زبان فارسی را با زدودن کلمات عربی و دیگر کلمات "خارجی" پالایش کند. در این شرایط بود که فرهنگستان زبان ایران در سال ۱۳۱۴ ش به ابتکار محمدعلی فروغی، نخست‌وزیر ایران، بنیان‌گذاری شد و هدفش جایگزینی کلمات عربی با معادل‌های برگزیده دقیق فارسی بود.

### سیاست هویت ایرانی

شاه برای رسیدن به یک ایران پیشرفته، اصل را به توسعه اقتصادی داده زیرا معتقد بود با انجام این اصل جامعه مدنی ملی نیز شکل خواهد گرفت. گروه دومی از روشنفکران، توسعه یک جامعه مدنی را پیش شرط شکل‌گیری جامعه ملی می‌دانستند؛ آن‌ها اندیشه‌های ناسیونالیستی لیبرال را دست کم می‌گرفتند و به همین دلیل به طرفداران ناسیونالیسم مردمی معروف شدند. گروه سومی، که تعبیر هویت ملی دولتی را به چالش می‌طلبیدند، در برگیرنده حامیان ایدئولوژی چپ بودند که خود را قهرمانان مردم ایران قلمداد می‌کردند. این گروه‌ها اغلب موضوع هویت جمعی ایرانی را از جنبه ملی آن به مردمان شکل دهنده آن تغییر می‌دادند، و نه از ملت ایران بلکه از مردمان ایران (خلق‌های ایران) که به گمان آن‌ها متشکل از ملیت‌های گوناگون بودند و سخن می‌گفتند.

تعبیر چهارم هویت ملی ایرانی یک براشت مذهبی است. آیت ا. مرتضی مطهری، علی شریعتی و مهدی بازرگان از هواخواهان اصلی هویت مذهبی-ملی ایران بودند.



روس و انگلیس در ۱۹۰۷ که ایران را به دو منطقه نفوذ تقسیم کرد به رستاخیز ناسیونالیسم رومانتیک ضد امپریالیستی و اندیشه‌های سوسیالیسم انجامید. نشریه کاوه که توسط سید حسن تقی‌زاده، رهبر کمیته ملیون ایران در برلین، نشریل ایران‌شهر چاپ برلین و آینده که توسط محمود افشار در تهران منتشر می‌شد. نمایندگان این گفتمان بودند.

### فصل هشتم: پیدایش ناسیونالیسم دولتی در دوران پهلوی

بزرگداشت و یادآوری خاطره جمعی تاریخی از طریق نمادها و اساطیر، مراسم و رسوم، موزه‌ها و مکان‌های باستان‌شناسی، طراحی معماری هخامنشی برای مکان‌های عمومی، موسیقی

از جمله اثرات حمله اعراب می‌توان به: برهم زدن جامعه بسته و طبقاتی، خارج شدن زبان و اندیشه از دست طبقه حاکم، شکوفا شدن استعداد ایرانیان، شکوفایی زبان فارسی دری اشاره کرد.

ناسیونالیستی و طرح لباس ملی به نشانه‌های آن تبدیل شد. در این دوره، نوشته‌های در حال پیدایش تاریخ ناسیونالیستی بر دوره هخامنشی به منزله ریشه سیاسی دولت توجه نشان دادند. ایده هرتسفلد درباره ایران هخامنشی به منزله یک مفهوم ایدئولوژیک و "امپراتوری آریاییان" و نیز ایده او که "ملت ایران" به تعبیر جغرافیایی و سیاسی آن در دوره هخامنشی پیدا شده‌اس، به منزله چهارچوب ایدئولوژیک، رسمی دولت پهلوی انتخاب شد. این اندیشه‌ها، پنج ابتکار تاریخی را به دنبال داشت: تغییر نام ایران در زبان‌های اروپایی از پرسیا به ایران در سال ۱۳۱۴ ش، مشخص کردن ریشه کهن آریایی ملت، گزینش عنوان آریامهر (خورشید آریاییان) از سوی محمدرضا شاه پهلوی در سال ۱۳۴۴ ش، بزرگداشت جشن‌های ۲۵۰۰ ساله امپراتوری ایران و سرانجام تغییر تقویم ملی از هجری اسلامی به شاهنشاهی یعنی زمان شکل‌گیری امپراتوری ایران به دست کوروش بزرگ.

شعار بسیار معروف خدای شاه و میهن از سوی دودمان پهلوی همچون تجلی وفاداری ایرانیان به شاه قلمداد می‌شد، جای چندان برای مفهوم حاکمیت ملت به جای نمی‌گذاشت. به علاوه، این تعبیر از حاکمیت با اصل اساسی انقلاب

که کتاب مقدس داشتند (یعنی اهل کتاب شامل مسلمانان، یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان) اشاره می‌کرد. واژه ملت به دو معنی متفاوت به کار گرفته می‌شد: یکی قرائت سنتی به تعبیر مذهبی، و دیگری قرائت مدرن به تعبیر کاملاً ملی. در همان دوره واژگانی وارد واژه‌نامه معاصر سیاسی شدند که از جمله آن‌ها می‌توان به ملی، ملیت، وحدت ملی، ملی‌گرایی و هویت ملی اشاره کرد.

### هویت ملی در جنبش‌های اصلاحی

جنبش اصلاحی ایران، سبب گسترش اندیشه‌های جدید ملت و وطن ملی شد. اصلاح‌طلبانی چون عباس میرزا، قائم‌مقام و امیرکبیر در آرزوی مدرنیزه کردن ادارات و نهادهای فرسوده دولت و اقتباس تکنولوژی و ساختار سیاسی مدرن برای توسعه توانمندی ایران برای مقاومت در برابر تهاجمات غربی بودند.

سپهسالار از نخستین کسانی بود که از واژه ملیت در اشاره به مفهوم ناسیونالیسم استفاده کرد و گفت: «اساس ملیت که امپراتور فرانسه پیشنهاد کرد که هر ملت باید توسط مردم خود اداره شود.» اندیشه او، حاکمیت ملت و تغییر موقعیت ساکنان آن از رعایا و شهروندان بود.

### ناسیونالیسم رومانتیک

میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی و جلال‌الدین میرزا قاجار از پیشگامان روشنفکر ناسیونالیسم رومانتیک بودند. آن‌ها آرمان‌های اصلی استقلال، وحدت، پیشرفت و رونق ملت ایران را از راه فداکاری میهن‌پرستانه تحقق‌پذیر می‌دانستند. رهایی از گذشته بیگانه اسلامی از طریق پاک‌سازی زبان فارسی از کلمات عربی و پیروی از تمدن غرب، نیاز عمده توسعه کشور قلمداد می‌شد. پخش و نشر ناسیونالیسم رومانتیک این چهره‌های روشنفکر و اندیشه‌های ناسیونالیستی وزرای اصلاح طلب، کمک بسیار مهمی به بن‌مایه فکری و جهت‌گیری ایدئولوژیک انقلاب مشروطه کرد.

### انقلاب مشروطه و هویت ملی ایرانی

انقلاب مشروطه دو هدف عمده را دنبال می‌کرد: \* ایجاد یک دولت - ملت: توسعه منابع و حفظ استقلال کشور \* تشکیل یک ملت: تبدیل رعایا به شهروندان جهت مشارکت سیاسی بیشتر. سرخوردگی حامیان ناسیونالیست انقلاب مشروطه و کنار گذاشته شدن چهره‌های ملّی چون ستارخان سردار ملی و باقرخان سالار ملی و توافق



# نشست دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا

و نقش اجتماعی دانشگاه در عرصه عمومی علم

## مریم رشیدی

دانشجوی کارشناسی تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

روز یکشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه ۹۸ نشستی با عنوان **دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا و نقش اجتماعی دانشگاه در عرصه عمومی علم** در دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی با حضور دکتر ناصر فکوهی و دکتر زهیر صیامیان گرجی و آرش امامی و عباس کریمی به همت انجمن علمی تاریخ برگزار شد. در ابتدا دکتر صیامیان نشست را با ذکر مقدمه‌ای به شرح زیر آغاز کردند: جایگاه دانشگاه در جامعه ما و در باور عامه مردم یک جایگاه صنفی و شغلی است اما نقش‌هایی را در رابطه با دولت و جامعه از لحاظ فرهنگی و اجتماعی ایفا می‌کند. ایشان سپس به فعالیت دانشجویان تاریخ در ویکی‌پدیا و میزان ارتباط و تأثیری که می‌توانند بر روی مسائلی که جامعه امروز ما از نظر فرهیختگی و نگاه علمی با آن مواجه است، داشته باشند، اشاره کردند. ایشان در ادامه بیان کردند: با توجه به کالایی شدن علم، توده‌ای شدن جامعه، حضور فضای مجازی و ارتباطات متفاوتی که از این نظامات شکل گرفته‌اند، می‌توانیم چنین بیان کنیم که با سطح نازل علم، آیا دانشجویان در مقاطع مختلف می‌توانند دانش خود را در سطح عموم مردم که برای همگان قابل دسترسی و فهم باشد تقویت کنند؟ در اینجا ایشان به نقش ویکی‌پدیا در این خصوص پرداختند. سپس دکتر فکوهی با مبحث دانش و دانشگاه سخنان خود را آغاز کردند: حوزه دانشگاه برای من یک حوزه محسوس است. دانشگاه یکی از نهادها و اشکالی است که سیستم تمدنی در آن رشد می‌کند و با وجود آسیب‌های موجود، شناخت خود را افزایش می‌دهد. امروزه در کشور ما می‌توان بیشتر مسائل را از رویکرد آسیب‌شناسی بررسی کرد از جمله آسیب‌پذیری که

با آن روبه رو هستیم، آسیب‌پذیری دانشگاه‌هاست و این سوال مطرح است که چرا نهادهای پاراکادمیک مانند ویکی‌پدیا و موسسات انسان‌شناسی اهمیت به‌سزایی دارند و حتی در پاره‌ای از موارد اهمیت آن‌ها از نهادهای آکادمیک بیشتر است؟ و در ادامه به مقایسه محیط آکادمیک در جامعه ایرانی و جوامعی چون اروپا و آمریکا پرداختند. ایشان اذعان کردند که در آمریکا و اروپا، دانشگاه محیطی است که در آن منفعت و جذب سرمایه وجود دارد که اساتید و دانشجویان را جذب می‌کند اما در دانشگاه‌های ایران چنین چیزی وجود ندارد و بروکراسی در این سیستم به حدی زیاد است که افراد سعی می‌کنند بدان سو نروند. به همین جهت سکتور آکادمیک در ایران در غالب رسانه‌ها و مطبوعات بسیار فعال است. اما این فعالیت به معنای عدم مشکل در سکتور آکادمیک نیست و هر یک از این سکتورها کارکرد مثبت و منفی خود را دارند و هیچگاه نمی‌توانند جایگزین یکدیگر شوند که در این صورت با مشکلات عمده‌ای روبه‌رو می‌شویم و این جایگزینی جایگاه‌ها همان مشکلی است که به طور جدی در ایران با آن مواجه هستیم. ایشان ادامه دادند: اساتیدی که در حوزه پاراکادمیک فعالیت ندارند بدین معنا نیست که دانش و توانایی لازم را ندارند بلکه زمان انجام آن را نیز ندارند و ورود به این حوزه باعث بروز مشکلاتی برایشان در عرصه دانشگاه می‌شود. بنابراین با توجه به این مشکلات باید حلقه‌ای را به وجود آورد تا سیستم آکادمیک و پاراکادمیک با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. ایشان در این خصوص به نکات مثبت و منفی که دانشگاه دارد اشاره کردند: این حوزه، جامعه ایران را از یک سو کاملاً متحول کرده و به برابری زن و مرد در عرصه علم نزدیک کرده‌است و اما از سویی مازاد دانشجو و استاد و ورود عده کثیری از دانشجویان به دانشگاه برای اهدافی چون بازار کار باعث نزول علم در دانشگاه شده‌است که نمی‌تواند انتظارات علمی دانشجویان با سطح علمی بالا را برآورده کند بنابراین به آن‌ها پیشنهاد



می‌کند که به صورت داوطلبانه وارد محیط‌های پاراکادمیک شوند و کار علمی را در خدمت عمومی انجام دهند تا با انجام آن حلقه ارتباطی محیط آکادمیک و پاراکادمیک را فراهم آورند. پس از آن دکتر فکوهی به توضیح مفهوم دایره المعارف یا آسیب‌پذیری پرداختند: مجموعه دانشی که در اختیار ما قرار دارد آسیب‌پذیری تلقی می‌شود و این مفهوم همزمان با انقلاب فرانسه به وجود آمد، زیرا انقلاب فرانسه با گرایش ضد کلیسایی خود، خواستار جدایی انحصاری علم و دانشگاه از کلیسا بود. بنابراین پروژه آسیب‌پذیری که همزمان در انگلستان و فرانسه آغاز شد به دنبال رسیدن به این هدف بود که در مقابل دانش کلیسایی می‌توان، از مجموعه‌ای از دانش سخن گفت و سوالی مطرح کرد که علم در دنیای امروز چه دستاوردهایی دارد؟ دکتر فکوهی یک‌به‌یک به تاریخچه آسیب‌پذیری‌ها پرداختند و ابتدا به آسیب‌پذیری فرانسه که حاصل موقعیت ذهنی یعنی روشنگری و اومانیسم که انقلاب فرانسه از آن‌ها نشأت گرفته و آسیب‌پذیری بریتانیکا اشاره کردند و اهمیت این دو واقعه را به حدی دانستند که باعث انتقال سیستم علمی از دستگاه دینی به دستگاه دانشگاهی شده‌اند.



برد. در ادامه نشست، عباس کریمی سخن خود را با این جمله آغاز کرد که علم یک چیز کاملاً اجتماعی است و در بستر جامعه شکل می‌گیرد که باید گسترش یابد و این همان چیزی است که ما به آن رویانگری در علم می‌گوییم و شما در هر حوزه‌ای باید علم را به دست مردم برسانید. او سپس به شرح بخشی از زندگی و فعالیت‌های ریچارد استالمن، بنیانگذار نرم‌افزار آزاد، و نقشی که در دنیای مدرن امروز ایفا کرده‌است، پرداخت که یکی از ثمرات فعالیت او که حاصل روح اجتماعی او بوده است، ویکی‌پدیا است. کریمی سه مسئله راجع به ویکی‌پدیا مطرح کرد و گفت: ویکی‌پدیا پنجمین سایت محبوب دنیاست و وقتی موضوعی را در ویکی‌پدیا جستجو می‌کنیم اطلاعاتی را که به ما می‌دهد برای همگان قابل فهم است زیرا ما فهمیم را به صورت موضوعی پیش می‌برد و زمانی به خوبی این موضوع را درک می‌کنیم که به عنوان یک دانشجو در جریان تحقیق بین‌رشته‌ای، به دنبال اطلاعات هستیم. چنین ساختاری تا به حال جز در ویکی‌پدیا دیده نشده‌است. کریمی همچنین به تفاوت ویکی‌پدیا با سایر دانشنامه‌ها پرداخته و گفت: ویکی‌پدیا چندی است که از دل خود مردم بیرون آمده‌است و ساخت زبانی ویکی‌پدیا، زبان معیار دنیاست چون همه را خود مردم نوشته‌اند و ویکی‌پدیا باعث شده‌است که افراد در حوزه‌های مختلف بر سر یک موضوع در ویکی‌پدیا با یکدیگر بحث کنند و به نتیجه برسند و اگر این سیستم پاراآکادمیک وجود نداشت افراد در حوزه‌های بین‌رشته‌ای دچار مشکلات عمده‌ای می‌شدند. کریمی سپس به تقابل ویکی‌پدیا با علم پرداخت و معتقد بود که مقالات علمی تحت تأثیر زبان ویکی‌پدیا هستند و زبان این مقالات روزبه‌روز در حال نزدیک شدن به زبانی هستند که در ویکی‌پدیا کاربرد دارد که این امر در کشورهای در حال توسعه به دلیل کمبود دسترسی به ژورنال محسوس است. او سپس نگاهی به حوزه زنان در ویکی‌پدیا داشته که بر اساس آن مقالات مربوط به زنان در ویکی‌پدیا فارسی در حدود ۲۰ درصد است و به تشکیل نهضت‌هایی از جانب زنان و حضور آنان در حوزه ویکی‌پدیا و بسط مقالات امیدوار بود. وی در آخر از جنگ ربات‌های موجود در ویکی‌پدیا با یکدیگر سخن گفته که خود از فرهنگ هر جامعه‌ای نشأت گرفته‌است و سپس با شرح فعالیت خود در این حوزه، به نشست پایان داد.

آن در ایران یکی از مشکلات اصلی که نهادهای پاراآکادمیک چون ویکی‌پدیا و دانشگاه با یکدیگر دارند همین است و معتقد بودند که باید میان این دو حوزه ارتباط برقرار شود زیرا این تنها راه رشد ویکی‌پدیا به عنوان یک سیستم در ایران و عامل به وجود آمدن نسل‌های بعدی آسییلوپدی است. سپس از نسل‌های جدید آسییلوپدی و تفاوت‌هایی که با ویکی‌پدیا دارد مثال‌هایی آوردند که شبکه‌های علمی مقاله به صورت شاخه‌ای به هم متصل شده‌اند و بعد این مقالات از یکدیگر جدا شدند و به مقالات دیگر تبدیل شدند و این شبکه‌ها نسل‌های بعد از ویکی‌پدیا هستند و حال تصور کنید که اگر قرار بر این بود موسسان ویکی‌پدیا هیچ تخیلی نسبت به آینده و به وجود آوردن نسل‌های جدید آسییلوپدی نداشتند، چه اتفاقی می‌افتاد و این خود مسئله‌ای است که در جهان سوم با آن روبه‌رو هستیم یعنی عدم نوآوری و جداسازی رشته‌ها از یکدیگر. ایشان سپس بیان داشتند: کارکردن در شاخه‌های تخصصی محض، یک سیستم اجتماعی را ارتقا نمی‌دهد و با اشاره به وضعیت بد سالن‌های تئاتر سوالی مطرح کردند که چرا با وجود اجرای تئاترهای معروفی چون مولیر در حدود ۱۰۰ سال پیش در امروز به چنین وضعی دچار شده‌ایم. ساده‌ترین پاسخی که می‌توانیم به آن بدهیم این است که هر شخی در یک سیستم سیاسی زندگی می‌کند که لایق آن است چرا که در واقع این سیستم سیاسی چیزی جز خود افراد نیستند. به عبارتی سیستم سیاسی حاصل سیستم اجتماعی است و این سیستم‌ها برای اینکه خود را سرپا نگه دارند در صدد تخریب برمی‌آیند. ایشان باور داشتند برای حل این مسائل باید به تلفیق علوم انسانی و علوم طبیعی بپردازیم زیرا علم خالص هیچ‌گونه فایده‌ای ندارد. ایشان در پایان سخنان خود گفتند: نیاز ما تنها مالی نیست بلکه به دانش فنی نیز احتیاج داریم و همواره باید در پی نوآوری و ساختن افکار و برنامه‌های جدید باشیم.

بعد از اتمام سخنان دکتر فکوهی، آرش امامی به عنوان ویکی‌پدین به ارائه دستاوردهای سه‌ساله فعالیت گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی در ویکی‌پدیا پرداخت. او همچنین مزایای ویکی را این‌گونه بیان کرد که نه تنها مشارکت در این طرح یک وظیفه ملی محسوب می‌شود بلکه باعث گسترش دانش رایگان در دسترس عموم مردم و جایگزینی تحقیقات در ویکی‌پدیا به جای کاغذ می‌شود. او در پایان، با اشاره به بهبود سطح کیفی و کمی مقالات دانشجویان در طول این ۳ سال با توجه به نقش ویکی‌پدیا سخن خود را به پایان

ایشان گفتند: آسییلوپدی بعدی آمریکانا است و در این حین است که مسئله پروژه ملی مطرح می‌شود که هر کشور باید آسییلوپدی مخصوص خود را داشته باشد و با توجه به آن هویت و دانش خود را نمایان سازد. ایشان فاصله ۲۰۰ ساله آسییلوپدی فرانسه و ایرانیکا را یک فاصله مادی نمی‌دانستند بلکه آن را یک فاصله ذهنی تلقی می‌کردند و با معرفی دایره‌المعارف دیگر به چگونگی ورود نشر دایره‌المعارف‌ها به دوران ویکی‌پدیا پرداختند و مثالی از دانشگاه سربین و قیام دانشجویان که منجر به یک تحول اساسی در سیستم آموزشی شده‌است، آوردند که این تحول در دل خود یک آسییلوپدی جدیدی را به نام اونیورسال به همراه آورد که نگاهی کاملاً تحلیلی دارد و به دنبال تحلیل دیتا است و به همین جهت یکی از موفق‌ترین پروژه‌های علمی است که وجود دارد. ایشان باور داشتند که آسییلوپدی‌هایی که بعد از اونیورسال شکل گرفته‌اند از جنس خودش هستند و بعد از این نسل است که ویکی‌پدیا وارد می‌شود. ویکی‌پدیا در کنار تمام موتورهای جستجوگر یک انقلاب بزرگ است و نبوغ آن کشف نیازها است. امروزه وقتی به تاریخ آغاز کار آن می‌نگریم مخالفت‌های شدیدی که در عرصه دانشگاه با آن وجود داشت را مشاهده می‌کنیم. دکتر فکوهی از باور غلطی سخن به میان آوردند که عده‌ای سیستم دانشگاهی را یک حوزه تکرار شونده می‌دانند که در آن ورود رشته‌ها به حوزه یکدیگر و تحقیقات میان‌رشته‌ای فاقد ارزش است. ایشان سپس با مرتبط ساختن همین سخنان، دلایل عقب‌ماندگی جامعه امروزی ما را از باور مردم می‌دانستند که تعداد زیاد کارخانه‌ها و میزان محصولات کشاورزی را معیار توسعه می‌دانند. ایشان با نگاهی به کشورهای توسعه‌یافته که علاوه بر پیشرفت در زمینه‌های صنعتی در حوزه‌های ادبیات، هنر و دانش به سطوح عالی خود رسیده‌اند از مسیرهای اشتباهی که در کشور ما طی می‌شود، ترجمه را مثال زدند که ترجمه‌های بسیار نازلی از فیلسوفان غربی به فارسی انجام شده‌است و پیشنهاد کردند با توجه به نابسامانی‌های موجود در ویکی‌پدیا فارسی، مترجمان می‌توانند به ترجمه ویکی‌پدیا انگلیسی بپردازند و فرمتی به مراتب بیشتر و بهتر عرضه کنند و از تقلیدهای کورکورانه که عامل اصلی همین نواقص است، خودداری کنند.

سپس بخشی در مورد پروژه ویکی‌پدیا مطرح کردند و گفتند: در کشورهایی چون فرانسه وقتی کار علمی صورت می‌گیرد، در حوزه رشته‌ای و بین‌رشته‌ای قابل استفاده است اما بر خلاف



به حبیب الممالک سرکار احمد شهبازی رحمت الهی  
 مقرب جلاله و القاب صراف سیف و القلم مقتدری  
 و الاحقر آصف الامیر الاحسنه الاجل الاکرم الامام  
 سرکار امیر کبیر میرزا قلی خان اولم الله تعالی  
 خان شاهرخ امیر شهبازی  
 ۱۲۶۵

۲۰ دی، سالروز قتل امیر کبیر

به حبیب الممالک سرکار احمد شهبازی رحمت الهی  
 مقرب جلاله و القاب صراف سیف و القلم مقتدری  
 و الاحقر آصف الامیر الامام اهل الاکرام  
 سرکار امیر کبیر میرزا قلی خان داماد شاه قاجار  
 خان شاهرخ امیر شهبازی  
 ۱۲۶۵

۲۰ دی، سالروز قتل امیرکبیر